



چرا امینی و چرا «الغدیر»؟

انسان‌ها دارای هویت‌های گوناگون (فردی، صنفی، طبقاتی، حزبی، نژادی و... نهایتاً ملی و فراملی) اند که با هر یک از اینها، از افراد، صنف‌ها، طبقات، احزاب، نژادها و بالاخره: از ملت‌ها و بلوک‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی دیگر، جدا و متمایز می‌شوند. انسان‌ها - و به همین گونه، ملت‌ها - هر کدام دارای «هویت» خاص خویش‌اند و در حیات فردی و اجتماعی خویش با همین هویت و شناسنامه فرهنگی و اجتماعی خاص، وارد عمل می‌شوند، با مشکلات و سختیها در می‌سنجند یا در برابر آنها وامی‌دهند و خلاصه، شکست و پیروزی، و رکود و پیشرفت را تجربه می‌کنند. برای نمونه، می‌توان جلوه‌ها و بازتاب‌های یک «هویت واحد» را در جنبش‌های تاریخ‌ساز کشورمان از قیام تنباکو و مشروطه تا خیزش ۳۰ تیر و ۱۵ خرداد و بهمن ۵۷ و دوران ۸ سال دفاع مقدس در برابر تجاوز دیکتاتور بعث، دید و به نظاره نشست.

«هویت ملی» ما ایرانیان، عمدتاً بر دو عنصر «ایرانیت» و «اسلامیت» (اسلام در قالب تشیع) استوار است، و روشن است که ضرورتی ندارد همه آحاد و افراد یک کشور، تماماً (آن هم به طور کامل) این هویت جمعی را دارا باشند. زیرا، به اصطلاح، حکم بر «غالب» است و هر قاعده عمومی، موارد استثنایی دارد و همین که «اکثریت چشمگیر» یک ملت، در هویتی واحد، همدیگر را بازیافتند، سمت و سو و رنگ و بوی زندگی «اقلیت» نیز (که در کنار بلکه در بطن آن اکثریت می‌زید) به نحو کلی و کلان تعیین می‌شود و بهره‌ها و تأثیرات مثبت آن هویت - گذشته از اکثریت - به صورت‌های گوناگون، شامل اقلیت هم می‌شود. فی‌المثل، هموطنان کلیمی ما به نحوی آشکار، «صهیونیسم» را محکوم می‌کنند، و این رویه که در کمتر جایی از دنیا مشاهده می‌شود، بی‌گمان ناشی از تأثیری است که کلیمیان ایران، از هموطنان مسلمان و شیعه ضد استعمار و ضد صهیونیسم خویش (که به «منطق عاشورا» مسلحند) پذیرفته‌اند و پرتوی از هویت تابناک ایرانی - اسلامی - شیعی این ملت بزرگ بر اندیشه و عمل آنان است. بازتاب منطق سرخ و شهادت طلبانه حسینی^ع را (که از اجزای مهم و رئیسه «هویت ملی» ایرانیان است) حتی در اندیشه چریک‌های مارکسیست زمان پهلوی، و تز آنان: «مبارزه مسلحانه؛ هم استراتژی، هم تاکتیک» نیز می‌توان دید و سیاوش کسریایی (شاعر مشهور جناح چپ) در منظومه «آرش» خود، تصویری که از هنرنمایی این قهرمان باستانی ایران ارائه داده، دقیقاً بازنمای نگاهی است که شیعیان در تحلیل قیام و شهادت سالار شهیدان حسین بن علی^ع دارند و مهم تر از همه آن که: زمانی که انقلاب اسلامی از افق آموزه‌های عاشورایی تشیع و تحت رهبری نایب امام عصر(عج) سر بر می‌زند، سایر اقلیت‌های دینی و مذهبی نیز از برکات آن که ریشه‌کن شدن استبداد ستم‌شاهی است، طبعاً بهره‌مند می‌شوند.

اهمیت، هویت ملی، و تأثیر آن در سرشت و سرنوشت یک ملت، تا آنجا است که کارشناسان استعمار معتقدند برای به زانو درآوردن ملت‌ها و انهدام قوه مقاومت آنان در برابر هجوم بیگانگان، باید در ارکان و اجزاء موقوم «ملیت» آنان، و مهمتر از همه، در بنیان باورها و عقاید حیات بخش و حرکت آفرین ایشان، خدشه کرد و هویت ملی را از سویه‌های مختلف، مورد حمله و آسیب قرار داد. و راز «تهاجم فرهنگی» به ملت‌های مقاومی چون ملت بزرگ ایران دقیقاً در همین امر نهفته است: تضعیف و نابودی فرهنگ زنده و پویای تشیع.

در مقابل دسیسه و ترفند کارشناسان استعمار، و به عنوان پادزهری علیه توطئه آنان، اندیشمندان فهیم و دلسوز کشورمان بر لزوم تقویت و پاسداری از مبانی «هویت ملی»، و اجزای سازنده و رئیسه «ملیت» این سرزمین، اصرار دارند و بویژه، معرفی و تبیین مستدل مبانی «تشیع» (به عنوان عامل پیوند «همدلی و همبستگی اجتماعی» و بنیان «قیام و مقاومت ملی» در برابر استبداد و استعمار) را وظیفه‌ای خطیر، همیشگی و میهنی برای خود و دیگران می‌شمارند. زنده‌یاد علامه حاج شیخ عبدالحسین امینی، از جمله این مصلحان دلسوز بود که ارج آیین علوی^ع را در شناخت حقیقت اسلام، تقرب میان مسلمانان، و بالاخره تحکیم بنیان هویت ملی این مرز و بوم، بخوبی می‌شناخت و اثر جاویدانش، الغدیر، دستاورد عمری پژوهش و نگارش در این راه بود، که با استقبال و تقریب دانشمندان مذاهب اسلامی و حتی مسیحیت روبرو شد.

خدمتگزاران شما در ایام، این بار برایتان «سفره ضیافتی» گسترده‌اند که با عنایت مولای متقیان (علیه السلام)، و ارادت پیرو صدیق آن حضرت (امینی)، معطر و منور شده است.

www.amejonline.ir
 شماره ۳۸
 ۱۳ تیر ۱۳۸۷ / ۱۶ صفحه
 شماره ۳۸
 ISSN 1735-3785
 کلید عنوان: Ayyām (Tihān)

● علامه امینی؛ زمان، اندیشه، تکاپو

۲ / طلعه

● «الغدیر» راه وحدت مسلمانان را هموار می‌کند

۴ / گفتگو با حجت الاسلام دکتر علی ابوالحسنی (منذر)

● آیت الله طالقانی و صاحب «الغدیر»

۶ / نقش‌ها

● واقعه غدیر و گزارشگران پر شمار آن...

۷ / یادمان

● در قلب خوبان

۸ / عکاس باشی

● الغدیر و الطاف مولا^ع

۹ / یادمانده‌ها

● پشتکار تحسین برانگیز

۱۰ / پرسه

● حمایت گسترده امینی^ع از امام خمینی^{ره}

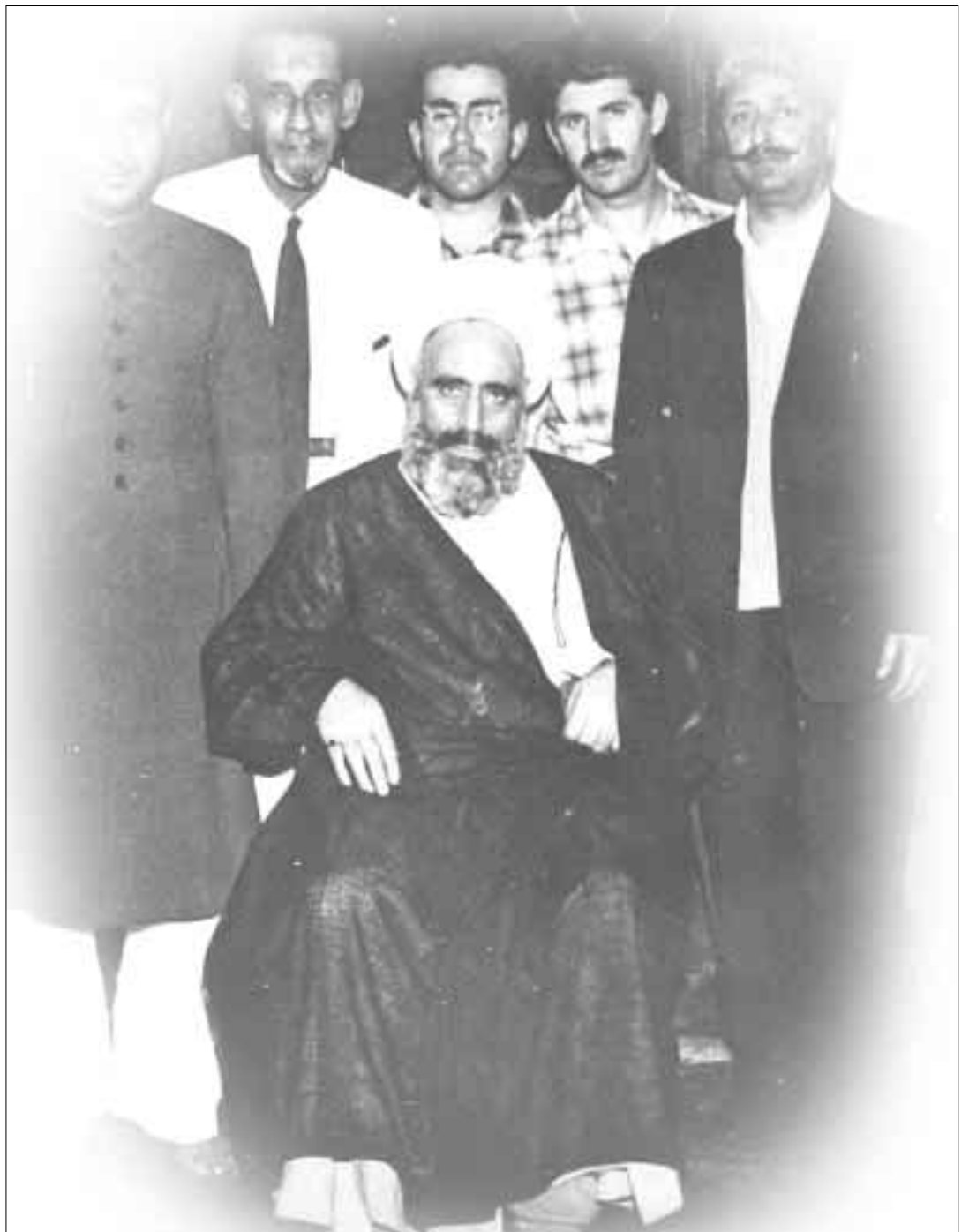
۱۲ / نهانخانه

● شهیدان راه فضیلت

۱۴ / کتابخانه تخصصی

● قشون جاهلان!

۱۶ / ایستگاه آخر



علامه امینی؛ زمان، اندیشه، تکاپو



حجت الاسلام دکتر علی ابوالحسنی (منذر)

سخن گفتن پیرامون وجوه گوناگون شخصیت علامه امینی و شاهکار جاودانه اش: الغدیر، کاری بس دشوار می‌نماید و در این مجال محدود و اندک نیز غیرممکن به نظر می‌رسد. لکن مقاله حاضر بر آن است تا به مصداق «آب دریا را اگر نتوان کشید» هم ز قدر تشنگی باید چشید، ما را با زندگی، خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی، آرمان‌ها و ساحت‌های پنهان و کمتر گفته شده زندگی آن بزرگمرد بهتر و بیشتر آشنا سازد.

۱. خاندان و تحصیلات

آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین تبریزی نجفی معروف به «علامه امینی»، نویسنده کتاب گرانسنگ «الغدیر»، سال ۱۳۲۰ق در خانواده علم و تقوا در تبریز متولد شد. مادرش می‌گوید: شیردادن من به فرزندم، عبدالحسین، با شیردادن به دیگر فرزندانم فرق داشت. زیرا هر گاه می‌خواستیم به وی شیر دهیم، گویی نیرویی مرا وا می‌داشت که وضو سازم و، با وضو، سینه در دهانم بگذارم!

عبدالحسین تحصیلات ابتدایی و متوسطه علوم دینی را در تبریز و نزد علمای بزرگ آن شهر نظیر سید محمد مولانا، سید مرتضی خسروشاهی و پدر بزرگوارش (میرزا احمد نجفی) فراگرفت. سپس برای تکمیل مراتب علمی به نجف اشرف رفت و در محضر علمای بزرگ آن شهر، میرزای نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمدحسین آل کاشف الغطا، و شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (کمپانی) بهره فراوان گرفت و خیلی زود به مقام عالی فقاقت نایل آمد.^۱

۲. تحقیقات علمی

حضور ذهن بسیار، انس شدید به مطالعه، علاقه وافر به پژوهش و تحقیق، همراه با منش والا را، از خصوصیات علامه شمرده‌اند.^۲ وی پس از نایل به اجتهاد، به طور مستمر و شبانه روزی، در باره مسائل گوناگون علمی در رشته‌های فقه و کلام و تفسیر و تاریخ، دست به پژوهش و تحقیق زد که خوشبختانه حاصل آن، به صورت آثار گرانسنگی چون شهداء الفضیله والغدیر، در اختیار ماست.

امینی تحقیقات و مطالعاتش در نجف را، از کتابخانه حسینییه شوشتری‌ها آغاز کرد که در آن زمان، تنها کتابخانه عمومی نجف شمرده می‌شد و هزاران کتاب چاپی و خطی داشت. روزها به طور مستمر به کتابخانه مزبور می‌رفت و از آنجا که ساعات رسمی کار کتابخانه، عطش سیری ناپذیر وی برای پژوهش و تحقیق را فرومی‌نشاند، کتابدار کتابخانه را راضی کرد که هنگام رفتن، در به روی او ببندد و او را با کتاب‌ها تنها گذارد. کتابدار، در لحظه تعطیل کتابخانه، در را به روی امینی قفل می‌کرد و او، در میان کتاب‌ها غوطه می‌خورد و غرق در مطالعه می‌شد.^۳

شادروان حاج سید کاظم حکیم زاده، کتابدار کتابخانه امینی در نجف اشرف، نقل می‌کرد: ساعتی که من در کتابخانه امیرالمومنین علیه السلام بیکار بودم و مراجعه کننده‌ای نداشتم، به خواندن کتاب می‌پرداختم. یک روز مشغول مطالعه جلد ششم الغدیر بودم، که امینی از راه رسید و گفت: هان! چه می‌خوانی؟ گفتم: جلد ششم کتاب شما - الغدیر - است. گفت: «بخوان، که خدا می‌داند چقدر زحمت کشیده‌ام تا مطالب این کتاب‌ها را در آورده‌ام!» و افزود: «آن وقتها، در نجف نه پنکه بود و نه وسایل سردکننده دیگر. در آن شرایط سخت، من هر روز برای مطالعه به حسینییه شوشتری‌ها می‌رفتم که تعدادی کتب



به معاویه، «تاریخ ابن عساکر» جلد مربوط به امام مجتبی علیه‌السلام و آثار ماندگار دیگر است. آقای محمودی به کتابخانه می‌آمد و بر زمین می‌نشست و در میان انبوه کتاب‌هایی که درخواست می‌کرد و برایش می‌پردیم، غوطه می‌خورد و یادداشت برمی‌داشت، و بخشی عظیم از مایه‌ای که اندوخته و یادداشت‌هایی که برداشته، از همانجاست.

حکیم‌زاده می‌افزود: علامه اسد حیدر (محقق بزرگ شیعه در نجف، و مولف کتاب ارزشمند «الامام الصادق و المذاهب الاربعه»، در ۶ جزء) آن زمان که هنوز کار تألیف این کتاب را آغاز نکرده بود، برای نگارش مقاله‌ای مختصر راجع به امام ششم به کتابخانه آمد و از امینی درخواست رهنمود کرد.

امینی با لحنی دردمندانه از وی پرسید: «درباره پیشوای مذهب تشیع، چه چیزی می‌خواهی بنویسی؟» و افزود: «اگر می‌خواهی، همچون برخی کسان، چند کتاب را زیر و رو کنی و با رونویسی از آنها و افزودن کاسته‌هایی از خویش، کتاب یا مقاله‌ای سرهم آوری و به خامه چاپ سیاری؟ بهتر است این کار را واهی و به کار دیگر پرداز، که هم تکرار مکررات است و هم شأن امام فراتر از این گونه کارهای خرد و تنگ‌مایه می‌باشد، و مرا نیز با تو کاری نیست. ولی اگر می‌خواهی کاری کارستان کنی و در اعماق زمان و زندگی پربار آن امام همام فرو روی و برای دستیابی به حقایق مکتوم حیات علمی و سیاسی وی، به همه جا سر کنی و همه متون و مآخذ کهن را ببینی و بکوی، اهلا و سهلا؛ کاری نیکو و بجاست و من نیز به قدر وسع خویش، در خدمت تو خواهیم بود!»

این سخن امینی، فکر و ذهن اسد حیدر جوان را سخت تکان داد و از همانجا، اندیشه نگارش کتاب چند جلدی و مهم «الامام الصادق و المذاهب الاربعه» را در سر وی انداخت. خود وی بعدها می‌گفت که: امینی مرا به این راه کشانید.

استادان دانشگاه‌ها به استقبال او می‌شتافتند. دانشمندان و مدیران کتابخانه‌ها، از سنی و شیعه، از سر اخلاص وسایل تحقیق را در اختیار او می‌گذاشتند. عالمان سنت با او تماس می‌گرفتند. شاعران در گرامی‌داشت او خطابه‌ها می‌سرودند. متصدیان کتابخانه‌ها، نشریات و فهرست کتابخانه‌های خویش را به او تقدیم می‌کردند.^۴

به عنوان یکی از مهم‌ترین و پربارترین سفرهای امینی (از حیث تبلیغی)، باید از سفر مشهور وی به اصفهان یاد کرد که با منبرهای پرشور او در شرح فضائل و مقامات امیرمؤمنان علی علیه‌السلام (با استناد به مآخذ مهم اهل سنت)، و رد شبهات و تحریفات دشمنان آن حضرت در این زمینه، همراه بود. آیت‌الله حاج سید حسن فقیه امامی دام‌ظله نقل می‌کند: ایشان یک ماه اصفهان ماندند و منبر رفتند: ده شب در مسجد سید، ده جلسه در مسجد نو، و ده شب هم در مسجد جامع. آقایان علما به خاطر شدت علاقه‌شان به این مرد، همگی مساجدشان را تعطیل کردند و در مسجد جامع، نماز جماعتی به امامت علامه امینی تشکیل شد که تا الان به یاد ندارم نماز جماعتی به آن شکوه در اصفهان برگزار شده باشد. تصور کنید، از محراب مسجد جامع تا بیرون مقبره علامه مجلسی قدس سره، جمعیت بود! و پس از نماز هم منبر می‌رفتند...

۴. پرورش محققان توانمند

مرحوم حکیم زاده، در میان فضایل علامه امینی، بر کادر سازی و محقق پروری ایشان تأکید می‌کرد و می‌گفت: امینی، در حق محققانی که به کتابخانه می‌آمدند، پیوسته به من سفارش می‌کرد که هر چه می‌خواهند در اختیارشان بگذار؛ و من نیز از خدمت دریغ نداشتم. یکی از آن محققان، همین جناب محمدباقر محمودی است که محقق کوشا و شهیر معاصر، و مصحح کتاب‌های «بحار الانوار» جلد مربوط

ارزشمند کهن در آن یافت می‌شد. زمانی که کتابخانه تعطیل می‌شد به کتابدار می‌گفتم: مطالعه من هنوز تمام نشده است. تو می‌خواهی بروی، برو، ولی اجازه بده من بمانم و مطالعه‌ام را ادامه بدهم. او در حبس حسینییه را می‌بست و می‌رفت و مرا در کتابخانه تنها می‌گذاشت و من ساعت‌های دراز روی کتاب‌ها می‌افتادم و مطالعه می‌کردم و یادداشت برمی‌داشتم. غرق شدن در مطالعه، مرا بکلی از گذشت زمان غافل می‌ساخت و تنها زمانی به خود می‌آمدم، که می‌دیدم قالبی که روی آن نشسته‌ام (از ریزش مداوم عرق) کاملاً خیس شده و بدنم (همچون بیمار تب زده) از گرمای شدید فضای بسته کتابخانه، یک پارچه آتش می‌نماید!...»

۳. سفرهای تحقیقی / تبلیغی

از ویژگی‌های بارز امینی، سفرهای پربارش به شهرها و بلاد اسلامی است که با اهداف علمی، فرهنگی، اصلاحی زیر انجام می‌گرفت: تحقیق و پژوهش در کتابخانه‌ها و یادداشت برداری و استنساخ از کتب شیعه و سنی (بویژه مآخذ خطی کهن) برای الغدیر و سایر آثار خویش، برخورد و ملاقات با استادان حوزه و دانشگاه، اصلاح و ارشاد مردم، تربیت اهل علم و تأثیر در آنان، و گاه نیز اقامه جماعت، ایراد سخنرانی برای توده مردم و نیز دانشگاهیان، القای بحث و ایجاد زمینه‌های فکری در مسائل مربوط به فلسفه حکومت در اسلام و ابلاغ پیام «غدیر».

شهرهایی که علامه با خصوصیات یادشده به آنها سفر کرده است، گذشته از شهرهای عراق، از قرار زیر است: حیدرآباد دکن، علیگره، بمبئی، لکهنو، کانپور، پتنه، رامپور، جلالی (در هند)، اصفهان، قم، مشهد، همدان، کرمانشاه، تبریز، بیروت، دمشق، مکه، مدینه، فوعه، کفریه، معره مصرین، نبل، حلب و... که گزارشی از این سفرها انتشار یافته است. وی در این سفرها «همواره مورد تجلیل عالمان مذاهب قرار می‌گرفت.



گفت و گو : رضا قربی

اگر بخواهیم مشکلات اساسی و پیچیده مسلمین در جهان کنونی را با نظری دقیق و به دور از شعارهای سطحی، واکاوی و چاره‌اندیشی کنیم و نیز اگر بخواهیم برای استحکام بخشیدن به اتحاد جهان اسلام علیه دشمنان مشترک، راهکار ریشه‌ای پیدا نماییم، قطعاً پرداختن به مسأله غدیر - و به تبع آن کتاب الغدیر - از جمله مهم‌ترین موضوعات خواهد بود و دقیقاً از همین منظر بود که متفکران ژرف‌اندیشی همچون استاد شهید مرتضی مطهری به این موضوع عنایت ویژه داشتند و با نوشتن مقالاتی همچون «الغدیر و وحدت اسلامی» در صدد تبیین صحیح این مسأله برآمدند.

ما نیز بر آن شدیم تا این موضوع خطیر را در گفتگویی با استاد علی ابوالحسنی (منذر) به بحث و بررسی بنشینیم که خلاصه و گزیده آن را در پی می‌خوانید.



علامه امینی و شاهکار جاویدان او الغدیر؛ در گفتگو با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر علی ابوالحسنی (منذر)

«الغدیر» راه وحدت مسلمانان را هموار می‌کند

ناخوشی علامه تازه آغاز شده بود زمانی که کتاب مناقب احمد بن حنبل را برای ایشان می‌خواندم، جابجا می‌فرمود: این حدیث از همان احادیثی است که سلسله سندش را عمداً مخدوش ساخته‌اند. و من از حافظه سرشار علامه در شگفت می‌بودم که به محض قرائت سند و متن حدیث، می‌فرمود: سلسله این حدیث، دستکاری و تحریف شده است!

برای کسی که الغدیر را خوانده و به رنج عظیم مولف آن در تألیف این کتاب سترگ پی می‌برد، این پرسش مطرح می‌شود که چرا امینی، یک بحث تاریخی از سده‌های دور، بحث از ماجرای غدیر - را موضوع پژوهش خود قرار داده است. به نظر جناب عالی، دلیل انتخاب این موضوع چه بوده است؟

الغدیر، به ظاهر، کتابی است که در باره رویدادی خاص که قرن‌ها از وقوع آن می‌گذرد - رویداد غدیر خم - به رشته تحریر درآمده است، اما با مرور مختصری بر مندرجات آن، نیک معلوم می‌شود که مولف این کتاب، غدیر را رویدادی سرنوشت ساز و کاملاً فرا-زمانی، و نماد «حقی الهی/مردمی/ابدی» تلقی می‌کند که دستهای جهل و جور، روی اغراض مادی و سیاسی، در طول تاریخ اسلام به محو و انکار آن کوشیده‌اند، و علاج عمیق و اساسی دردهای امت اسلامی (حتی در عصر حاضر)، جز با کاوش در زوایای این حادثه و پیام و پیام نهفته در آن، ممکن نیست:

«علی علیه السلام، به گفته صریح و مکرر پیامبر، دروازه علم او بود و دری که انسان‌ها از طریق آن، به سوی خدا بار می‌یابند... اگر حق سرپرستی مردم از علی سلب نشده بود همانا علوم پیامبر در بین امت نشر یافته و نشانه‌های آن آشکار می‌شد و حکمت‌های وی به گوش همگان می‌رسید و احکام نورانی اسلام جامه عمل می‌پوشید. در نتیجه مردم از نعمت‌های الهی به حد وفور بهره‌مند می‌شدند... اما... خلافت از امیر مو منان سلب شد، و نتیجتاً مردم به گمراهی افتادند و آبادی‌ها خشکیدند و چراگاه‌ها از نعمت تهی شدند و از نحوست اعمال مردم، فساد و تباهی، زمین و دریا را فراگرفت»^۱.

دو فرقه بزرگ مسلمانان: شیعه و سنی، قرن‌های طولانی است که در مسائل گوناگون (از اصول دین گرفته تا فروع احکام) تفاوت نظر دارند و این امر، گاه (از سوی فتنه انگیزان) مایه گسست‌ها بلکه نزاع‌های فراوان در تاریخ شده است، و بی‌گمان، یکی از علل

در زیر آوار خود مدفون ساخته است. امینی پس از شناخت این حقیقت تلخ، در کنار نقد علمی مندرجات این متون، به جستجوی نسخه‌های کهن آنها در مخزن خطی کتابخانه‌ها برخاست. مرحوم حجت‌الاسلام حکیم‌زاده (دوست و دستیار نزدیک امینی در کتابخانه ایشان در نجف) اظهار داشتند که، علامه امینی می‌فرمودند:

«من در جریان مطالعه بررسی احادیث و اشعار مربوط به غدیر خم در کتب گوناگون، بتدریج متوجه شدم که پس از قرن چهارم، در احادیث مندرج در متون و منابع کهن تاریخی متعلق به عامه، توسط برخی از متعصبین، دستکاری‌ها و تحریف‌های زیادی صورت گرفته است. به این معنا که، هنگام استنساخ متون، در سلسله سند روایات دست برده و نام افراد را جابجا کرده‌اند: استاد را به جای شاگرد و شاگرد را به جای استاد نشانده‌اند یا فی المثل حسن را به جای تقی و تقی را به جای حسن نوشته‌اند، و هكذا.

هدفشان نیز از این کار، آن بوده است که وقتی (برای اثبات فضایل اهل بیت علیهم السلام، یا حقانیت تشیع) به این گونه روایات استناد شود بگویند: تقی از نظر زمانی پیش از حسن می‌زیسته و در زمان نقل حدیث، استاد وی بوده، چگونه در اینجا از حسن نقل حدیث کرده است؟! خیر، سند این روایت مخدوش بوده و قابل اعتبار و استناد نیست!

عمده این دستکاری‌ها و تحریف‌ها نیز در قرن چهارم به بعد انجام گرفته است. لذا من (= امینی) برای تهیه مصادر کتاب الغدیر، و ضبط صورت اصیل و نخستین روایات آن، ناچار شدم به نسخه‌های مخطوطی مراجعه کنم که قدمت آنها به پیش از قرن چهارم هجری می‌رسد»

به گفته همو: سفر امینی در دهه ۴۰ شمسی به هند و ترکیه، برای مشاهده و بررسی نسخه‌های مخطوط قدیمی در کتابخانه‌های آن دو کشور، پیرو کشف همین حقیقت تلخ، و به همین انگیزه علمی و تحقیقی انجام گرفت. پس از آن سفرها نیز مطلب برای ایشان عینی تر گردید، و شما می‌توانید آثار این سفر علمی و تحقیقی را در مجلدات ۱۶ - ۱۲ الغدیر (مسند المناقب و مرسلها) و نیز دو جلد حاوی مصادر و منابع خطی الغدیر که هنوز چاپ نشده، ببینید.

آقای حکیم‌زاده افزودند: «در اواخر دهه چهل که

هم همین است. طبعاً این امتیاز را باید به آن دین و آن نوع دینداری بدهیم که در شکل اصیل و خالص آسمانی خویش باقی مانده و معارف و احکام بلند آن، از بوالهوسی‌ها و خودکامگی‌های بازیگران سیاسی و شب پرستان تحریفگر، رنگ و زنگ نگرفته است.

دین و رهبران آسمانی آن آمده‌اند تا اخلاق عالیه را تکامل بخشند (بعثت لاتمم مکارم الاخلاق، فرمایش مشهور نبوی) و جامعه‌ای سرشار از صفا و طهارت، و صلاح و عدالت بسازند، اما امویان و عباسیان و دیگرهای دیگر چنین نمی‌خواهند. آنان که بنده زر و زور و هوس‌اند، نه تنها در برابر دین و احکام آن سر تسلیم فرود نمی‌آورند، بلکه دین (و در واقع، تظاهر دروغین به دین) را جز نقاب تزویر و نزدبان دستیابی به امیال نفسانی و اهواء شیطانی خویش نمی‌خواهند. شگرد شیطانی‌شان نیز آن است که دینداران، نه تنها (به استناد آموزه‌های اصیل الهی و انسانی دین) به خودکامگی‌هایشان اعتراض نکرده و مانع بوالهوسی‌هاشان نشوند، بلکه رفتار آنان را عین دین و دینداری شمرده و تعریف و تقدیس هم بکنند! و بدین منظور می‌کوشند توسط ایادی رنگارنگ خویش، اصول و فروع پاک و تابناک دین را، در ذهنیت جامعه تغییر داده و زلال حقایق آن را به لوث تحریف آلوده سازند.

متأسفانه روند تحریف دین در نیم قرن نخستین تاریخ اسلام (پس از پیامبر اکرم) کار را به جایی رساند که در صبح عاشورا، عمر سعد (فرمانده سپاه یزید) که آبیستن وعده حکومت ری و شیفته باج و خراج آن است، بانگ برداشت که: ای جند الهی، سوار شوید و (با قتل عزیزترین عزیزان وجود، جگرپاره‌های رسول خدا، راه بهشت را بگشایید!)

امینی، از روند فاجعه‌انگیز «تحریف حقایق در تاریخ اسلام»، شناختی دقیق داشت و با همه توان، به معرفی حقیقت و مقابله با تحریفات برخاسته بود. او هنگام مراجعه به متون و مصادر کهن اسلامی برای گردآوری و تدوین «الغدیر»، با عمق «تحریف و دستکاری عمدی» در متون و کتابهای غیرشیعی آشنا شد و متوجه شد که علاوه بر تحریفاتی که توسط خود نویسندگان این متون یا راویان مورد استناد آنها در این کتب وارد شده، متن اولیه و نخستین این متون نیز در طول تاریخ، از دستبرد تحریفگران بعدی مصون نمانده و لایه‌های مختلف تحریف، حقیقت را

با تشکر از قبول زحمتی که فرمودید، اگر موافق باشید گفتگو را با نگاهی به ابعاد گوناگون شخصیت علامه امینی آغاز کنیم.

نقطه شروع خوبی را برای گفتگو پیرامون زنده‌یاد علامه حاج شیخ عبدالحسین امینی انتخاب کردید. شخصیت علامه، ابعاد و زوایای گوناگونی دارد که در حیات علمی و عملی‌اش کاملاً بازتاب داشته و می‌زیبد که هر یک از آنها موضوع پژوهش و تحقیق مستقلی قرار گیرد. زیرا ایشان، هم یک فقیه اصولی و محدث و متکلم و مفسر خبیر بودند، و هم یک ادیب و شاعر برجسته، و هم یک تاریخدان و کتاب‌شناس پراطلاع و همواره جستجوگر، و هم یک خطیب و نویسنده مقتدر و تأثیرگذار، هم یک سیاح پرتکاپو، و هم یک مصلح درآشنا و زمان آگاه، و به شدت دلسوز و نگران سرنوشت امت بزرگ اسلامی، که در عصر او دوران انحطاط خود را می‌گذراند. و شما می‌توانید این «جامعیت و گستردگی» شخصیت را به خوبی در «الغدیر» ایشان ببینید و حس کنید...

به نظر شما، اگر بخواهیم برجسته‌ترین ویژگی علامه را در یک جمله، ذکر کنیم روی چه چیزی باید انگشت بگذاریم؟

برجسته‌ترین ویژگی امینی، معرفت و عشق سرشار و مئل زدنیش به ساحت رسول اکرم و خاندان معصوم وی، خصوصاً امیرمؤمنان علی (علیه السلام) است، که فکر می‌کنم سایر خصلت‌ها و وجوه (اندیشه و عمل) آن مرد بزرگ، یا مستقیماً از این امر ناشی می‌شود و یا به نحوی، از آن نیرو و پرتو می‌گیرد. اگر کتاب «الغدیر» و حتی «شهداء الفضیله» یا «تفسیر سوره حمد» می‌نویسد و اگر از شاگرد غیور و پرشورش «نواب صفوی» می‌خواهد که حق کسروی را کف دستش بگذارد، همه و همه به همین عشق و معرفت بازمی‌گردد. از یاد نبریم که: عشق و ایمان امینی به آن بزرگواران، تنها در اظهار علاقه به آنها یا مویه بر مصائب ایشان، خلاصه نمی‌شد؛ بلکه فراتر از این، وی به دفاع و ترویج از آیین پاک آنان کمر بسته بود.

چرا برای امینی، حقیقت، به صورت ناب و زلال و پالایش آن از رنگ‌ها و پیرایه‌ها، این قدر مهم بود و نسبت به آن، این مقدار حساسیت نشان می‌داد؟

سو ال مهمی فرمودید که پاسخی اندیشیده نیز می‌طلبید، ببینید، اگر معتقدیم که دین و دینداری، تنها راه تأمین سعادت و فلاح آدمی است. که درست

ضعف مسلمین در حال حاضر در برابر هجمه استعمار غرب، همین امر بوده است. دلسوزان امت اسلام طبعاً بایستی برای حل این مشکل فکری اساسی کنند.

از سوی دیگر، در واپسین ماه‌های عمر پیامبر - حادثه‌ای رخ داده که ذکر آن در کتب فریقین فراوان رفته و از اهمیت بسیاری برخوردار است: غدیر خم، پیامبر اکرم^ص کنار برکه غدیر، در اجتماع بزرگ مسلمین خطبه‌ای بلند خوانده و از همگان پیمان گرفته که علی علیه السلام را همچون خود او، مولای خویش بشمارند. خوشبختانه، نام و یاد این حادثه شگفت، در لایلای متون فریقین باقی مانده و هم امروز نیز موضوع آن، کاملاً قابل استناد و پیگیری است. شمس الدین ذهبی، دانشمند صاحب آوازه و مهم اهل سنت، لب کلام رسول گرامی اسلام در غدیر (مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ) را به طرق معتبر (صحیح، حسن و متواتر) از طریق کسانی چون ابوبکر، علی^ع، سعد وقاص، حسین بن علی^ع، زید بن ارقم، بریده، براء بن عاذب، ابن مسعود، عبدالله بن عمر و عمار بن یاسر نقل کرده، که گزارش این روایت از طریق امیرالمومنین (به تصریح ذهبی) به طور متواتر صورت گرفته است.^{۱۲}

حادثه غدیر، به لحاظ پیام و پیامد، بی‌گمان یکی از مهم‌ترین حوادث عصر رسالت است. از نگاه امینی مهم‌ترین مسائل تاریخی، مسائلی است که به باورها و معتقدات اساسی جامعه می‌پردازد و واقعه «غدیر خم»، یکی از مهم‌ترین قضایای تاریخی است که مستقیماً به بنیان عقاید دینی مسلمین مربوط می‌شود، و نوع تفسیر و تلقی از آن، وجه تمایز دو فرقه بزرگ مسلمان - شیعه و سنی - را در مبحث امامت تشکیل می‌دهد. شیعیان، برای استواری و استحکام آیین خود - که بر «ولایت» متجلی در غدیر، مبتنی است - به بحث از غدیر، و پیام نهفته در آن، نیاز حیاتی دارند و دیگران نیز به منظور تحقیق در صحت و سقم ادعای شیعیان، و نیز سنجش عبار حقایق مکتب خویش، از پرداختن به بحث کلیدی «غدیر»، ناگزیرند. خاصه آنکه، حادثه غدیر، از مسلمات تاریخ اسلام بوده و مورخان و مفسران و کلامیان و حتی ادیبان و لغت‌شناسان بزرگ شیعه و سنی در آثار مشهور و ماندگار خویش^{۱۳} به اشکال گوناگون بدان اشاره دارند: مورخان در شرح حوادث مربوط به آخرین حج پیامبر و اجتماع مسلمانان در غدیر؛ مفسران در تبیین آیاتی چون «الیوم اکملت لکم دینکم» و...؛ متکلمان در مبحث خلافت و امامت امت پس از پیامبر، و لغت‌شناسان نیز در ذیل واژه‌های ولی، مولی، غدیر و خم^{۱۴} پس ضروری است که دفتر غدیر را گوشوده، و به مدد آن، گره از مشکل کهنه اختلاف امت اسلام، بگشاییم.

در نظر صائب علامه امینی، غدیر، یک جریان عادی همچون جریان‌های دیگر تاریخ، محکوم به مرگ و فراموشی نیست؛ یک حقیقت مستمر و بی‌زوال است. چراغ روشن آگاهی و معرفتی است که راه نجات و سعادت را در همه زمان‌ها به همه نسلها نشان می‌دهد و مهم‌ترین عامل انحطاط و عقب ماندگی در جهان اسلام، بل جهان بشریت را - که دوری از ولایت علم و عدل است - بازمی‌گوید. در برکه غدیر، می‌توان سروش وحی را از زبان رسول هدایت شنید و در پرتو آن، به راز تباهی مسلمین در عصر امویان و عباسیان و دیگر خودکامگان ریز و درشت تاریخ اسلام پی برد. غدیر، شاقولی است که با آن می‌توان میزان انحراف حاکمان و حکومتگران را، در درازنای تاریخ اسلام، از مشی و مرام پیامبر دریافت و با تحلیل ریشه‌ها و پیامدهای این انحراف فریابنده، به سوالاتی اساسی از این دست پاسخ گفت که: امت اسلام، چرا و چگونه بتدریج از منزلت والای نخستین خویش بدور افتاد و کارش به جایی رسید که مشتی صهیونیست، قبله اولش را به زور و تزویر از چنگش برون آورد و مستکبران عالمسوز بر مقدراتش چنگ افکنند و به هیچ رو، توان ستاندن حق خویش را نداشته باشد؟! می‌بینید که سوال، کاملاً حیاتی و امروزی است و

در عین حال، پاسخ اساسی و ریشه‌ای آن، در غدیر و پیام حیاتبخش آن نهفته است.

یعنی، داستان غدیر ، می‌تواند امروز هم گره‌گشای مشکلات اساسی مسلمین باشد؟

کاملاً. در عصر حاضر، میان مسلمانان با انوار وحی، حجابهای ظلمانی بسیاری وجود دارد که توسط بیدادگرانی چون معاویه و حدیث تراشانی چون ابوهیره ایجاد شده و مانع آشنایی درست با اصول و مبانی فکری و سیاسی مدینه النبی و تجدید بنای آن است. در هزارتوی این تاریخ آلوده به فریب و تحریف، همایش پیامبر و مسلمانان در غدیر چونان چلچراغی در شبستان تاریخ اسلام می‌درخشد و به سان فانوس دریا، طوفان زدگان و به گرداب فروغلطیدگان را به ساحل نجات رهنمون می‌شود. از یاد نبریم که پیامبر در خطبه غدیر، به تأکید و اصرار، از حاضران خواست که پیام حیاتبخش او در غدیر را، برای غایبان بازگو کنند: (أَلْفَلَيْحُ الشَّاهِدُ الْغَائِبُ).^{۱۵}

بنابراین، شگفت نیست اگر می‌بینیم، امینی، در لوای بحث غدیر، پرونده صدر اسلام را می‌گشاید، دانش اندک حاکمان و خطبها و خطاهای مکرر ایشان را فاش می‌سازد، قصه‌پردازان و حدیث تراشان و تحریفگران حقیقت را (که در پوستین تاریخ رفته‌اند) به محاکمه می‌کشد و ستمی را که حتی در دهه‌های نخست پس از پیامبر^ص بر امثال بوذر و عمار و ابن مسعود رفته است برملا می‌کند، و... عنوان «دادخواه

در نظر امینی ، غدیر شاقولی است که با آن می‌توان دریافت که امت اسلام چرا و چگونه از منزلت نخستین خویش به دور افتاد و کارش به جایی رسید که مشتی صهیونیست ، قبله اولش را از چنگش برون آوردند؟

جرم تاریخ» را - به شایستگی - از آن خود می‌سازد. او چالش‌علی و معاویه را، «جنگ قدرت» در دورانی گذشته و فراموش شده نمی‌بیند، بلکه در آینه آن ستیز، نبرد علم و فضیلت را با جهل و جور و شیطنت در سراسر تاریخ بشر، مشاهده می‌کند. محرومیت ۲۵ ساله امت اسلام از شهد علم و عدالت علوی، برای او، یک مساله شخصی نیست که زبان آن، تنها به علی رسیده باشد؛ یازنده اصلی در تاریخ، نسلی است که در غیبت اجباری امام عدل و آزادی از کانون قدرت، خوراک تبلیغات امویان و عباسیان و... شد و آنچه از راستراه قرآن و سنت نبوی دور افتاد که هنوز بیش از نیم قرن از رحلت پیامبر نگذشته بود، که پای در رکاب کرد و - با فریاد «تکبیر» و شعار «یا خیل الله اربکی و بالجنه ابشری»! - خون عزیزترین کسان وی را بر زمین نینوار ریخت و به فرمان یزیدی که رسالت! خویش را انتقام خون کفار بدر از پیامبر می‌شمرد فاجعه‌ای را رقم زد که حتی نامسلمانان نیز، از شدت فزایندگی آن، انگشت تعجب بر دهان دارند...!

سوز و گداز امینی در تبیین حقیقت، چنان است که گویی می‌خواهد هزار و چهار صد سال تحریف حقیقت، و ظلمی را که از این راه بر نسلهای مسلمان رفته و می‌رود، یک تنه جبران کند و آب رفته را به جهان اسلام باز آرد!

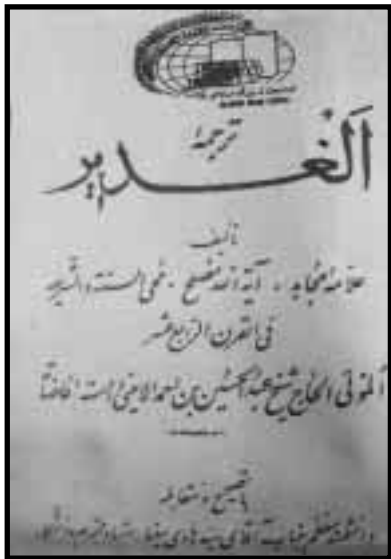
ممکن است تصور شود که بحث از غدیر، با مقوله «اتحاد اسلامی» در تعارض است. در این باره چه

می‌گویید؟

جالب است بدانید که امینی خود ، کتاب الغدیر را عامل اتحاد صفوف مسلمانان می‌داند: «الغدیر یوحد الصفوف فی الملاً الاسلامی».^{۱۶} فرمودید آیا الغدیر، منافی اتحاد اسلامی است؟!

پاسخ به این سوال، بسته به تعریفی که از اتحاد اسلامی داشته باشیم، فرق می‌کند. اگر مراد از اتحاد اسلامی، نفی «تشیع» و هضم و استهلاک آن در «تسنن» (یا بالعکس) و یا احیاناً تبدیل آن دو به مذهبی جدید (مثلاً وهابیت) باشد، پیداست که الغدیر، شدیداً مخل به چنین اتحادی است. اما اگر مراد از اتحاد اسلامی، معنای معقول آن، یعنی همبستگی و همکاری (اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، و نظامی) مسلمین بر پایه مشترکات دینی خویش (= خدا، قرآن، پیامبر و قبله واحد) علیه دشمن مشترک (استعمار) بوده و بهیچوجه قصد نابودی یکی به نفع دیگری درکار نباشد، و در عین حال، برای رسیدن به «وحدت کامل و پایدار امت اسلام در جمیع عرصه‌های نظر و عمل»، راه بر بحث و گفتگوی آزاد و بی طرفانه علمی میان دانشمندان فریقین جهت حل اختلافات فکری و اعتقادی باز باشد، باید گفت، الغدیر، نه تنها مضر به وحدت نیست، بلکه راه وحدت کامل و حقیقی را نیز هموار کرده و موانع را از سر راه آن می‌زداید.

بدیهی است برای رسیدن به اتحاد، نخست باید



«عوامل تفرقه» و «موانع اتحاد» را از سر راه برداشت، و به طرفین شناختی صحیح از عقاید و افکار یکدیگر بخشید، و این، جز با بحث و مذاکره علمی بین دانشمندان ممکن نیست. مثلاً تا وقتی که برخی از اهل سنت (تحت تأثیر القنات دشمنان) شیعیان را - بخطا - «قاتل به تحریف قرآن!»^{۱۷} شمرده یا می‌پندارند که «شیعیان، علی را از پیامبر شایسته‌تر به رسالت دانسته و معتقدند که جبرئیل با آوردن وحی نزد پیامبر به علی خیانت کرده است!»^{۱۸} چگونه می‌توان آنان را به اتحاد با شیعیان فراخواند؟! یا اتحاد بین یک وهابی (که زیارت قبر پیامبر را «شرک» می‌انگارد) با سایر مسلمین (که به قبر آن حضرت، از باب احترام به خود ایشان - تبرک می‌جویند)، چگونه ممکن است و ایجاد زمینه اتحاد بین او و عامه مسلمین، جز «بحث آزاد علمی و حقیقیانه» چه راهی دارد؟

علاوه، باید «اتحاد» را (با لحاظ غایبات و مبادی) آنچه‌ان تعریف کرد که با اصول والای اسلامی و انسانی (همچون آزادی اندیشه و تحقیق، آزادی بحث و نظر امر بمعروف و نهی از منکر، حقیقتجویی و عدالتخواهی) مغایر نباشد. در شرایطی که برداشت فریق و مذاهب اسلامی از کتاب خدا و سنت پیامبر متفاوت است (و مثلاً: شیعیان با درسی که از سیره سیاسی علی^ع و انقلاب خونین عاشورا آموخته‌اند، منطق بسیاری از دانشمندان اهل سنت نظیر ابوالحسن ماوردی، ابن جماعه و حافظ محیی الدین

یحیی نووی^{۱۹} را در قبول اولوالامری سلاطین فاسق نمی‌پذیرند) حفظ اصول یادشده (= آزادی اندیشه، امر به معروف و...^{۲۰}) اقتضا می‌کند که «اتحاد» در حدود «مشترکات اعتقادی فریقین» و در قالب «همکاری‌های کلان سیاسی، اقتصادی، نظامی» کشورهای اسلامی (به مثابه «اید واحد» در برابر جهانخواران غرب و شرق) انجام گیرد، ولی همزمان با این همکاری، اندیشمندان مسلمان برای دستیابی به شناختی دقیق، درست، کامل و واحد از اصول و فروع «اسلام ناب محمدی» (که در کل، یکی بیشتر نبوده و حقیقت «واحد» آن، این همه اختلاف مسلک و و تفرق مذهب در بین مسلمین را، بر نمی‌تابد) در فضایی باز و سالم، به گفتگو نشینند و با رعایت ادب بحث و مناظره، حق مطلب را در موارد اختلاف فکری و عقیدتی میان مسلمین (از اصول عقاید گرفته تا فروع احکام) معلوم دارند، تا راه بر «وحدت کامل و تام» مسلمین در جمیع عرصه‌های نظر و عمل گشوده شود...

با آن تصور معقول از «اتحاد» و این دورنمای حکیمانه از «وحدت اسلامی»، نقش مثبت و کارساز «الغدیر» در فرایند اتحاد اسلامی کاملاً روشن می‌شود. چه الغدیر، از یک سو با معرفی منطق تشیع به برادران اهل سنت، و نقد تهمت‌های ناروا به شیعیان، موانع وحدت را از سر راه مسلمین بر می‌دارد و از دیگر سو، با تأکید بر موضوع کلیدی و راهگشای «غدیر» و تبیین پیام نجات بخش و وحدت آفرین آن (چنانکه قبلاً گذشت) راه را بر همدلی و همدانشی عمیق و پایدار امت اسلام می‌گشاید. خصوصاً آنکه، به قول دکتر صلاح الصاوی، ادیب و شاعر مستبصر مصری: «استدلالات امینی در الغدیر بر حقایق مذهب تشیع، عموماً بر اقوال ائمه و بزرگان اهل سنت و جماعت متکی است و می‌توانیم کتاب الغدیر را چون پلی بدانیم که علامه این پل را بین جهان تسنن و تشیع برقرار ساخته است».

استاد مطهری در مقاله ارزشمند «الغدیر و وحدت اسلامی» بخوبی ابعاد این بحث را روشن ساخته‌اند^{۲۱} و تقریظ‌های فراوان دانشمندان اهل سنت و حتی مسیحی بر الغدیر، گواه موفقیت امینی در این راه است. پس بحق باید پذیرفت که: الغدیر یوحد الصفوف فی الملاً الاسلامی.

پاورقی‌ها:

۱. در تأیید اظهارات امینی، می‌توان شواهد زیادی از لایه‌های کتب و مصادر کهن اهل سنت ارائه کرد که از آن جمله: تفسیر و تاریخ طبری، مروج الذهب مسعودی، المعارف ابن قتیبه دینوری، البیوقیت و الجواهر شعرانی قابل ذکرند. ر.ک. بحث ما در: بوسه برخاک پی حیدر علیه‌السلام... چاپ اول، صص ۶۵۳-۶۴۳.۲. الغدیر، ۷/۲۴۳.۳. رساله طرق حدیث «من کنت مولاه فعلی مولاه»، تحقیق و تعلیق سید عبدالعزیز طباطبایی، انتشارات دلیل، قم ۱۳۷۹ش. حافظ ابوالفرج بن جوزی حنبلی (۵۹۷م) نیز می‌نویسد: علمای تاریخ و سیره اتفاق دارند که واقعه غدیر، پس از بازگشت پیامبر (ص) از حجه‌الوداع، روز ۱۸ ذی حجه رخ داده و در آن روز ۱۲۰ هزار تن از اصحاب و اعراب و ساکنان حومه مدینه و مکه که با پیامبر در حج مزبور شرکت داشتند، همراه وی بودند و حدیث غدیر را از او شنیدند و شاعران در این باره اشعار بسیار سرودند (الغدیر، ۲۹۶/۱) قطعی بودن ماجرای غدیر چنان است که به گفته ضیاءالدین مقبلی (۱۱۰۸م)، اگر حدیث غدیر مسلم نباشد، هیچ امر روشن و مسلمی در اسلام وجود ندارد! (همان: ۳۰۷/۱-۳۰۶). ۴. همچون بلاذری در انساب الاشراف، ابن قتیبه در المعارف و الامامه و السیاسة، محمد بن جریر طبری در کتاب مفرد، خطیب بغدادی در الاستیعاب، شهرستانی در الملل و النحل، ابن عساکر در تاریخ، یاقوت حموی در معجم الأدباء، ابن اثیر در اسد الغابه و... ۵. ر.ک. الغدیر، ۸/۱ - ۵، «همیه الغدیر فی التاریخ» ۶. همان: ۱۱/۱. ۷. همان: مقدمه جلد هشتم، ۸. برای اظهارات آنان ر.ک. حماسه غدیر، گردآوری و نگارش محمدرضا حکیمی، صص ۵۶-۵۷. ۹. برای مقاله استاد ر.ک. همان: صص ۵۲۸-۵۳۷.



آیت الله طالقانی و صاحب (الغدیر)



آیت الله حاج سید محمود طالقانی، از علمای مبارز عصر پهلوی است که در این راه رنج بارها زندان و زجر و تبعید را به جان خرید. وی در کنار مبارزات سیاسی، از تحقیق و تألیف پیرامون معارف دینی و قرآنی غافل نبود و آثار متعددی در این عرصه به یادگار نهاد که از آن میان، تألیف کتبی چون «آینده بشریت از نظر مکتب ما» پیرامون... حضرت ولی عصر^ع و ترجمه جلد اول کتاب «الامام علی» نوشته عبدالفتاح عبدالقاصد که به نقد جریانات صدر تاریخ اسلام پس از رحلت رسول اکرم^ص... می پردازد نشان از علائق ولایی او است...

حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ ابوذریع، از روحانیان مبارز و از دوستان نزدیک مرحوم طالقانی، در تیرماه ۱۳۸۶ نقل کردند که روزی در دهه ۴۰ شمسی به منزل آیت الله طالقانی (واقع در خیابان منیریه، قلعه وزیر) رفتم. کوتاه مدتی بعد، روحانی بلند قامت و تنومند، دارای سری تراشیده و عمامه ای بزرگ، وارد شد که آقای طالقانی خیلی به ایشان احترام گذاشت. من او را تا آن زمان ندیده بودم اما روی اوصاف و تعریفاتش که در مورد علامه امینی شنیده بودم حدس زدم او باید امینی باشد، و بعد که از هویت او جويا شدم، معلوم شد هموست.

من گزارشی دادم از مقاله یکی از مجلات آن روز مصر، که نوشته بود مساله خلافت در اسلام، موضوعی مسلم است اما در نحوه آن، بین مسلمانان اختلاف نظر وجود دارد. شیعیان، آن را به «نص» (تصریح خدا و رسول) ثابت می دانند و اهل سنت به انتخاب مردم، امینی که این سخن را شنید به سخن درآمد و گفت به هند که رفته بودم موسسه «نوده العلماء» در لکنه (که مرکز علمی و فرهنگی اهل سنت است) مرا به عصرانه دعوت کردند، و من هم رفتم. ۴۰ تن از علمای اهل سنت حضور داشتند. کسی شروع به خواندن احادیث کرد و پیاپی احادیثی به نقل از خلیفه ثانی قرائت کرد. مقداری که خواند، من گفتم: اگر اجازه بدهید من هم چند حدیث بخوانم، و خواندم: قال سیدنا علی امیرالمومنین علیه السلام...

در آن مجلس، امینی، زمانی که نام علی را برد و به ذکر احادیثی از زبان او یا درباره او پرداخت، شور و نشاط خاصی یافت که مجلس را قبضه کرد... بعد آقای طالقانی گفت: آقای بیدار، شما هم کمک بدهید این کتابها را انتخاب کنیم. معلوم شد که اساساً دعوت آقای امینی از سوی طالقانی، به همین علت انجام گرفته است. کتابهای زیادی نزد مرحوم طالقانی بود که بعضی از پدر وی به او ارث رسیده و بعضی را نیز خود تهیه کرده بود، و در میان آنها نسخه های خطی ارزشمندی نیز به چشم می خورد.

من و طالقانی و امینی، کتابها را انتخاب کردیم و داخل چندین گونی قرار

دادیم و امینی آنها را به کتابخانه خویش در نجف (مکتبه الامام امیرالمومنین العلامه) ارسال داشت. آنجا فهمیدم که آیت الله طالقانی، علاقه و ارادت زیادی به علامه امینی دارد و خط او را که خط ولایت است کاملاً قبول دارد.

آیت الله حاج شیخ علی دوانی - خطیب و نویسنده شهیر نیز که از هنگام مرگ امینی حضور داشته، شاهد اندوه عمیق آقای طالقانی در سوگ امینی بوده است. استاد دوانی در مرداد ۸۱ اظهار داشتند:

«چند روز پیش از آنکه علامه امینی، صاحب دائره المعارف عظیم (الغدیر)، حقیقتاً از جهان درگذرد، شنیدیم که ایشان فوت کرده است، و حتی برخی از اعلام قم برای وی اعلام عزا کردند. بعداً معلوم شد ایشان، تنها بیهوش شده و مرگی در کار نبوده است. به گونه ای که برخی به آقایان یادشده انتقاد کردند که می خواستید خوب تحقیق کنید ببینید مرگش قطعی است، بعد اعلام عزا کنید! ولی دو روز بعد مجدداً شنیدیم حال علامه وخیم شده و دچار اغما شده اند.

بنده از زمان اقامت در نجف، با هر دو پسر علامه - دکتر محمدهادی و حاج آقا رضا - دوست بودم. گفتم بروم سری به منزل ایشان بزنم، نکند مساله ای برای ایشان پیش بیاید. منزل علامه در همین خیابان خیام، اوایل چهار راه گلپونک در نزدیکی خانه مرحوم آیت الله حاج شیخ حسین لنگرانی قرار داشت. به منزل امینی که رفتم، دیدم سر و صدا است و منسوبین ایشان (برای آنکه در محیط خانه، فشار جمعیت ایجاد نشود) درب منزل را بسته و کسی را به داخل راه نمی دهند. من در زده و گفتم: بگویند علی دوانی است. حاج آقا رضا، فرزند علامه، پشت در بود، در را گشود. دیدم منقلب است. گفت: آقای دوانی بفرمایید داخل، و در را پشت سر من بست. آنجا دیدم عده ای از آقایان حضور دارند. ضمناً پیش از آن که من به منزل علامه برسم، دیدم آشیخ حسین لنگرانی، جلوتر از من، در حالی که مدام دستها را روی هم می زند، با اندوه و تأسف شدید، وای وای کنان، به سمت منزل علامه امینی در حرکت است. ایشان قبل از من وارد منزل شد.

جالب است فاصله ای از ورود ما نگذشته بود که دیدم مرحوم آقا سید محمود طالقانی نیز با حالت تأثر وارد منزل علامه گردید ... مشاهده کردم که مرحوم طالقانی، با شنیدن کسالت مرحوم امینی، خود را به خانه ایشان رسانده و خیلی منقلب به نظر می رسید. مرحوم طالقانی پس از ورود، از من پرسید: حال علامه چطور است؟ پاسخ دادم: من هم، تازه به اینجا آمده ام، و حال ایشان هیچ خوب نیست. به نظرم، یکی از حضار گفت: ممثّل تشیع دارد از بین می رود و کیست که دیگر جای امینی را بگیرد؟

خانمها در طبقه بالا نزد علامه بودند و امکان دیدار با ایشان وجود نداشت. مدتی گذشت تا این که برای من توفیقی پیش آمد که نزد علامه بروم. علامه را به وضع عجیبی، در حالت احتضار دیدم، که منقلب شدم و گریه کنان بیرون آمدم و طولی نکشید که خانمها مجدداً نزد علامه رفتند و صدای ضجه بلند شد و حاج آقا رضا بر سر خویش زد و معلوم شد که آن شیعه خدوم و مخلص، به دیدار دوست شتافته است...»

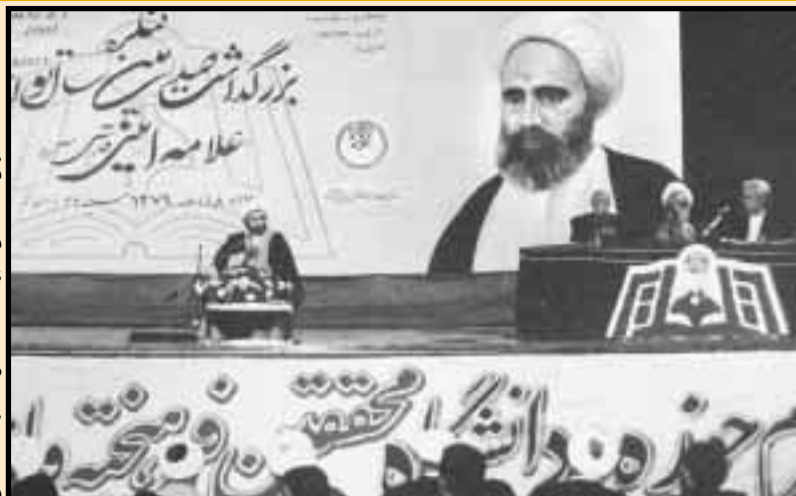
داود مهرورز

آیت الله حاج شیخ علی دوانی، خطیب، نویسنده و مترجم شهیر، و استاد پیش کسوت حوزه علمیه قم در تاریخ و تراجم اسلام و ایران، که سال گذشته درگذشت، از ویژگی های بارزی برخوردار بود که در رأس آنها باید از عشق سرشار وی به ساحت نبی اکرم و اهل بیت مکرم وی (درود خدا بر آنان باد) یاد کرد؛ عشقی که سبب شده بود تمامی عمرش را، از اوان جوانی تا هنگام مرگ، وقف معرفی شخصیت، خدمات و مجاهدات آنان و یاران فداکارشان در پویه ۱۴ قرن تاریخ سرخ تشیع سازد و آثاری گرانبار تقدیم مشتاقان علم و فضیلت کند.

دوانی به (تشیع)، به عنوان «حقیقت ناب اسلام»، عشق می ورزید و کسانی را نیز که (همچون علامه امینی، صاحب الغدیر) درفش دفاع از این آیین برحق را به دوش می کشیدند از عمق جان دوست می داشت.

مرحوم دوانی در مرداد ۱۳۸۱ شمسی در منزل خود، پیرامون ارادت و آشنایی دیرین خویش، از دوران نوجوانی (سال ۱۳۲۲ به بعد) در حوزه نجف، با «مرحوم علامه بزرگوار حاج شیخ عبدالحسین امینی» سخن ها گفت. وی از سوز و گداز تماشایی علامه در برابر ضریح مولای متقیان علیه السلام یاد کرد که با سلام غرا و تکان دهنده او به حضرت، و نوای السلام علیک یا امیرالمومنین آغاز می شد و زخمه بر تار دل حاضران می زد. نیز از رفتن خویش به کتابخانه واقع در پشت بام مدرسه قوام شیرازی نجف، که امینی پیش از پی افکندن

استاد دوانی از علامه امینی سخن می گوید



استاد دوانی در بزرگداشت شهید سید علی دوانی

شاعران، در اثبات حقانیت تشیع بهره گرفته است و بر این مبنا به امینی سفارش کرد که واژه شعرا را از نام کتاب بر دارد و الغدیر را باقی گذارد. امینی هم پذیرفت و در فرجام، نام کتاب، همان شد که همه می دانیم: «الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب»، و چه توصیه عالمانه و مبارکی؟!

دوانی، سرانجام، سخن را بدینجا رسانید که: امینی، در اواسط دهه چهل شمسی به قم آمد و از این که احساس کرد در حوزه امام صادق^ع، اهتمام لازم به تعلیم و تعلم معارف بلند ولایی، چنانکه باید، از استاد و شاگرد مشهود نیست و حتی برخی از فاضلان اهل قلم، به برخی از سلفی مسلکان، اطلاق «مرحوم» بل «شهید!» می کنند، غصه ها خورد و در مجلسی که از جمعی از اعلام وقت حوزه در خانه شهید آیت الله سعیدی فراهم شده بود، در این باره گلایه ها و توصیه ها کرد و از برخی جفاها و نامردمی ها که در همان زمان در اقطار جهان اسلام بر ساحت قدس خاندان پیمبر^ص و آیین علوی^ص می رفت پرده برداشت، و اینجا و آنجا تأکید کرد و اصرار ورزید که: «آقایان، اهل بیت، مظلومند؛ هیچ گاه مظلومیت آنان را فراموش نکنید!»

دوانی این داستان را تعریف کرد و سخت خوشحال و شاکر بود که از جمله کسانی بود که امینی (در آن سفر) از کارنامه ولایی آنان اظهار رضایت می فرمود و از این که دیده بود دوانی با بیان و بنان، به معرفی امامان و عالمان بزرگ شیعی، همت گماشته است، وی را ثنا و دعا گفته بود.

کریم حق پرست

امینی (= الغدیر)، «شعرا الغدیر» بود، زیرا بخش عمده ای از این کتاب به ذکر اشعار شاعران بزرگ مسلمان در مورد داستان غدیر اختصاص دارد. اما زمانی که امینی کتابش را به محضر مرجع کبیر وقت: آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی، برد تا تقریضی بر آن نگارد، سید هوشمندانه به وی گفت که کتاب تو، اثری علمی و استدلالی است که از همه چیز، از آیات قرآن کریم تا احادیث نبوی^ص و سیره و تاریخ و همچنین شعر



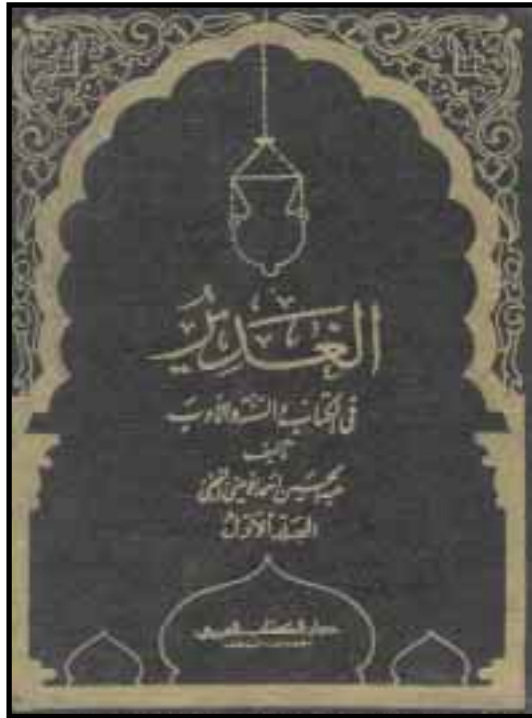
مهرداد صفا

واقعۀ غدیر و گزارشگران پر شمار آن در تاریخ

می‌خوانیم: «یُنَادِيهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيَّهُمْ...». یعنی، پیامبر، مردم را در غدیر خم، به بانگی رسا، ندا درداد که: (ای مردم)، مولا و ولی شما کیست؟ همه صریحاً پاسخ دادند: مولای ما خدای تو می‌باشد، و تو ولی مایی و تا کنون از ما تمردی نسبت به فرمان خویش ندیده‌ای. سپس (پیامبر) به علی گفت: برخیز! که خرسندم، پس از من، امام و هادی (امت) باشی.

بحث دیگر امینی، معرفی کاروان شاعران غدیر و ذکر غدیره‌های شیوا و استوار آنان است. وی نخست به بحثی قرآنی و روایی، تحت عنوان «الشعر و الشعراء»^۱ در باره شعر و شاعری از دیدگاه اسلام پرداخته و اهتمام پیامبر و امامان اهل بیت علیهم السلام به ترویج شعر و شاعران متعهد و تشویق و تحریض مردم به حفظ اشعار آنان^{۱۱} را نشان می‌دهد و سپس مجلدات دوم تا هفتم و نیز یازدهم غدیر را تماماً یا بعضاً به معرفی شاعران غدیر (بالغ بر ۱۰۵ تن شاعر از عصر رسالت تا قرن ۱۲ هجری و ذکر غدیره‌های ایشان اختصاص می‌دهد.

کتاب غدیر ضمناً در خلال مباحث، ده‌ها نکته و مبحث تاریخی و کلامی و فقهی و ادبی و لغوی و غیره را نیز مطرح ساخته که به عنوان مهم‌ترین آنها می‌توان به بحث‌های مستند و گسترده پیرامون امور زیر اشاره کرد: ذکر مستند احادیث اهل سنت درباره فضایل و مناقب علی و اهل بیت علیهم السلام، نقد و بررسی کارنامه خلفا، شرح حال رجال و مشاهیر تاریخ اسلام و ایران (از خلفا و صحابه و تابعین و منسوبان پیامبر گرفته تا حاکمان و وزیران و عالمان و شاعران مسلمان در ۱۴ قرن اخیر) و بالاخره: مباحث کلامی، فقهی، تفسیری و ادبی گوناگون، نظیر نقل دیدگاه‌های شیعه درباره عدم تحریف قرآن و نیز خلافت.



الغدیر، نوشته علامه امینی، همچون دائرة المعارفی سترگ، انبوهی از موضوعات و مباحث تاریخی، تفسیری، حدیثی، ادبی، فقهی و... را در خود جای داده است. موضوع محوری در این کتاب، اما، چنانکه از نام آن (الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب) نیز پیداست، عبارت است از: اثبات واقعیت تاریخی ماجرای غدیر (= اعلام خلافت و جانشینی علی^ع به فرمان الهی توسط پیامبر اکرم^ص در اجتماع انبوه مسلمانان).

مؤلف طی بحثی دراز دامن و مستند، به بررسی «سند» و «دلالتهای» حدیث غدیر پرداخته و با ارائه لیستی بلند از صدها تن راویان (و مولفان و سراینندگان) غدیر در طول ۱۴ قرن تاریخ اسلام، «تواتر» یعنی قطعیت صدور این حدیث از زبان پیامبر در غدیر خم را ثابت کرده است. سپس با بررسی مفاد حدیث غدیر، دلالت واضح آن بر «خلافت و امارت علی علیه السلام (پس از پیامبر) بر امت اسلام» را مدلل ساخته است.

بر پایه تحقیقات امینی، تعداد ۱۱۰ تن از صحابه حدیث غدیر را روایت کرده‌اند^۱ که بینشان دهها تن از برجستگان مهاجر و انصار (همچون اسامه بن زید، ابی بن کعب، انس بن مالک، جابر بن عبدالله انصاری، ابوذر، ابویوب انصاری، زید بن ثابت، سعد بن عباد، سلمان فارسی، سعد بن وقاص، عبدالله بن مسعود، عمار یاسر و...)، خلفا و فرزندانشان (ابوبکر، عمر، عثمان، عبدالله بن عمر)، همسران پیامبر و بستگان نزدیک وی (ام سلمه، اسماء بنت عمیس، حسنین^ع، عباس بن عبدالمطلب، عبدالله بن عباس و...)، و حتی کسانی که در تاریخ با امیرمومنان به ستیز برخاستند (عایشه و عمروعاص) یا به سفارش معاویه، علیه مولا و به نفع دشمنانش روایت ساختند (ابوهریره) به چشم می‌خورد.

ماجرای غدیر را بسیاری از تابعین (یعنی نسل دوم مسلمین صدر اسلام) نیز روایت کرده‌اند. نظیر: سالم نوه عمر، سعید بن جبیر، طاووس بن کيسان، عامر بن سعد بن وقاص، عمر بن عبدالعزیز. امینی نام ۸۵ تن از اینان را آورده است.^۲ در مرحله بعد، به شمار عظیمی از شخصیت‌های نامدار اهل سنت می‌رسیم که روایتگر حدیث غدیرند و در بینشان چهره‌های شاخصی از فقیهان، محدثان، مفسران، متکلمان، مورخان، ادیبان، نجویان، نسب‌شناسان، جغرافی دانان، رجالیان، فرقه پژوهان، حافظان، مفریان، قاضیان و عارفان (همچون: قاضی بیضاوی، خطیب بغدادی، خوارزمی، فخر رازی، زمخشری، محمد بن جریر طبری، ابن اثیر، ابن عبدبره، ابن عساکر، ابونعیم اصفهانی، بلاذری، یاقوت حموی، قاضی ابوبکر باقلانی، شمس الدین ذهبی، محمد بن عبدالکریم شهرستانی، جلال الدین سیوطی، سفیان ثوری و...)، صاحبان صحاح شش گانه و نیز سنن و مسندها (همچون: بخاری و ترمذی صاحبان صحیح بخاری و ترمذی، ابن ماجه و نسائی صاحبان سنن، احمد بن منصور بغدادی و عثمان بن محمد عیسی صاحبان مسند، شیبان و ابوقریب صاحبان مسند کبیر)^۳ و بالاخره پیشوایان مذاهب چهارگانه اهل سنت و فرزندانشان (نظیر محمد بن ادریس شافعی، احمد بن حنبل، و عبدالله بن احمد بن حنبل) وجود دارند. شمار علمای اهل سنت نیز که روایتشان از غدیر، توسط امینی در الغدیر گزارش شده به ۳۶۰ تن می‌رسد.^۴

امینی، هنگام معرفی راویان غدیر، نوعاً بزرگی مقام و وثاقت آنها - و احیاناً اعتبار کلیه راویان مذکور در سلسله روایت آنها تا زمان پیامبر - را، از دیدگاه برادران اهل سنت و به مأخذ کتب معتبر آنها، یادآور می‌شود. او، کاروان راویان غدیر در بین اهل سنت را، تا عصر خود تعقیب کرده و طومار بحث را با ذکر نام اندیشمندان برجسته اهل سنت در دو قرن اخیر همچون: سید محمود آلوسی بغدادی، عبدالفتاح عبدالمقصود و دیگران، به پایان می‌برد. بحث بعدی او، به معرفی کسانی اختصاص دارد که در باره غدیر، کتاب نوشته‌اند. همچون محمد بن جریر طبری، ابن عقیه، شمس الدین ذهبی و...^۵

احتجاجات حضرت امیر، صدیقه طاهره و حسنین علیهم السلام به حدیث غدیر در موارد گوناگون، فصل دیگری است که او در اثبات واقعیت غدیر می‌گشاید.^۶ چنانکه، بررسی آیات نازل شده در روز غدیر، بحث بعدی غدیر است. همچون آیات: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک» و «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی» و... که در روز غدیر و به مناسبت اعلام خلافت امیر المومنین^ع توسط پیامبر^ص فرود آمده و امینی (با استناد به کتب اهل سنت) به طور مبسوط به بررسی شأن نزول و مفهوم و ماجرای آنها در ربط با غدیر پرداخته است.

بحث بعد، بررسی «سند» حدیث غدیر، و اثبات «اجماع» و اتفاق علمای فریقین بر صحت و اعتبار این حدیث است. امینی گواهی ۴۳ تن

تمجید و ستایش

علامه بزرگ سیدعبدالحسین شرف الدین عاملی، مصلح مشهور شیعی، که صاحب آثار کم نظیر و قلمی شیوا و تواناست نیز یادداشتی برای نویسنده الغدیر فرستاده و کوشیده حق مطلب را در مورد آن بزرگمرد ادا کند:

تمجید و ستایش در پیرامون این کتاب «الغدیر» و مانند آن کوچکترین و کمترین اقدامی است که در برابر کوشش‌های شما و سنجش میزان کاوش و دقت شما به عمل می‌آید.

عمر طولانی



همچنین مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی، کتاب‌شناس، رجالی و تراجم نگار بزرگ شیعه، در نامه‌ای به علامه امینی در وصف کتاب غدیر و صاحب آن، تعابیر عجیب و بلندی می‌نگارد که گوشه‌ای از آن بدین شرح است:

من قاصر از وصف این کتاب گرانبها و ستایش آن. «الغدیر» بالاتر و بزرگتر از آن است که آن را وصف کنند و ثنا گویند. من تنها کاری که می‌توانم کرد این است که دعا کنم تا خداوند عمر مولف کتاب را طولانی کند، و به او فرجام نیک بخشد. این است که با خلوص دل، از درگاه خدای متعال مسالت می‌کنم که بقیه عمر مرا بر عمر شریف او بیفزاید تا او بتواند به همه آرمان خویش دست یابد.

رضا مختاری، سیمای فرزاتگان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ص ۱۵۱



بخش مهمی از کتاب غدیر، به گزارش و نقد عالمانه سخنان کسانی اختصاص دارد که متأسفانه روی تعصب کور کورانه به انکار یا تحریف حقایق پرداخته‌اند. با مشاهده حجم کار امینی در این عرصه، باید گفت: براستی، یک‌تنه، کار یک لشکر کرده‌است!

پی‌نوشت‌ها:

۱. ر.ک. الغدیر، ۱۴۰۶/۱، به نقل از کتب اهل سنت، ۲-الغدیر، ۲۲/۱ - ۶۲-۳- و نیز راویان مورد اعتماد بخاری و مسلم نظیر: یحیی بن آدم، اسود بن عامر، عبدا بن زید و... که از محدثان برجسته اهل تسنن در قرن سوم محسوب می‌شوند ۴. برای اسامی آنها ر.ک. الغدیر، ۱۵۱/۱ به بعد ۵- ر.ک. همان: ۱/ ۱۵۲-۱۵۸ ۶- همان: ۱۹۹/۱ - ۷-۱۵۹- ر.ک. الغدیر، ۳۱۳/۱ - ۲۹۴- ۸- ر.ک. همان: ۳۱۴ - ۳۱۵- ۹- الغدیر، ۳۲۲/۱ - ۳۱۴- ۱۰- همان: ۲۴/۲ - ۱۱- امینی، در اثبات جواز و مشروعیت شعر شاعران متعهد، حتی اشعاری را که در مواقع مختلف (زمان ولادت پیامبر و علی علیهما السلام، هنگام اطعام انصار توسط پیامبر در مدینه به شیر، شب وفات پیامبر، و روز شهادت فرزندش حسین علیه السلام، و...) انسانها را سروش غیبی شنیده‌اند، ذکر می‌کند (الغدیر، ۱۶/۲-۹) و به طریق اولی از نقل نام صحابیان مشهوری که در مناسبت‌های گوناگون، شعر را چون شمشیری آخته بر فرق کفر و شرک کوبیده‌اند، نمی‌گذرد (همان: ۱۶-۱۷/۲). تصریح می‌کند: «...أنا نعد ذلک خدمه للدين و اعلاً لکلمه الحق و أحیاً للأمة الاسلامیه»، یعنی، مقصود عمده ما از معرفی شعری غدیر و ذکر اشعارشان (در توالی قرون)، اثبات شهرت حدیث غدیر و «تواتر» آن در هر نسل و دوره است. با این هدف که به دین اسلام خدمت کنیم، درفش حقیقت را برافرازیم، و امت اسلامی را زنده کنیم (همان: ۲/۱).

از دانشمندان عامه را در «تصحیح و توثیق» حدیث غدیر، و اثبات «تواتر» آن متذکر می‌شود^۷ و با ذکر سخن دانشمندانی چون حافظ ابوعیسی ترمذی (متوفی ۲۷۹) که حدیث غدیر را «حدیث حسن صحیح» می‌شمارد، اجماع شیعه و سنی بر اعتبار این حدیث را مدلل می‌سازد.^۸ در ادامه، او محکمه‌ای برپا کرده و مغرضان و متعصبان خشکی را که از سر عناد با خاندان پیامبر^ص بر حدیث غدیر طعن زده و آن را ضعیف! شمرده‌اند، به محاکمه می‌کشد.^۹ مثلاً پرونده ابن حزم اندلسی را - که سلف ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب از بنیانگذاران و سران فکری جریان وهابیت محسوب می‌شود- گشوده و اندیشه‌های خطا و اجتهادات سستش را آشکار می‌سازد.

پس از پایان بحث در باره «سند» حدیث غدیر، نوبت به بررسی «مفاد» آن می‌رسد. واژه راهگشا و کلیدی در این حدیث، واژه «مولی» است که درک معنای دقیق آن در خطبه پیامبر، پیام غدیر را کاملاً واضح ساخته و بر مغلطه‌ها و سوء فهم‌ها خط بطلان می‌کشد. به دیده امینی: واژه «مولی» در حدیث غدیر، بی تردید به معنی امامت و سرپرستی امت است. خلیفه اول و دوم در تبریک به علی^ع در روز غدیر، علی^ع در نامه به معاویه، و حسان بن ثابت (ملک الشعراء پیامبر^ص) و کمیت بن زید اسدی (شاعر شهیر و زبردست عصر اموی) در اشعارشان، و ابوتمام طائی (ادیب برجسته عرب) در کلام خویش، از واژه «مولی» دقیقاً همین معنا را فهمیده‌اند. در شعر حسان که، در همان روز غدیر و به مناسبت اعلام خلافت امیر علیه السلام از سوی پیامبر، سروده و هیچ یک از مسلمانان حاضر در غدیر بر وی خرده نگرفته، بلکه آن را تلقی به قبول کرده‌اند،



به کوشش: امیدانتظاری

«امینی» در یادلی بود. عقلی بلندپرواز بود. عقلی که به منقار کلام از لابلای سطور گرد گرفته تاریخ سیمای علی را یک بار دیگر نشان داد. علی و یارانش را. به حق گروید. به حق زیست. به آستان بلندپایه و شکوهمند مرد حق روی آورد. در راه شناخت و شناساندن این «حق» به جان کوشید. یادش را گرمی می‌داریم. میراثش را پاسداری کنیم. که مرد، مرد حق بود و حق گفت... حالا که «امینی» نیست ما کجا می‌رویم؟ چه می‌کنیم؟ چه کرده‌ایم؟ به کجا می‌رویم؟ باید که چهره‌های حق را بنگریم. باید که حق را در یابیم. باید که علی و یاران علی را بشناسیم و بشناسانیم. باید که راه بیفتیم. باید که ره چنان رویم که هر روان رفتند این دینی است که ما به علی داریم. دینی است که به «امینی» داریم. دینی است که به «جامعه» داریم...

حماسه غدیر، صص ۲۱۹-۲۱۵



استقبال

اعلامیه شیعیان کانپور هند پیر امون سخنرانی علامه امینی



امینی در نمایشگاه صنایع دستی کشمیر در شهر بیتمی



در قلب خوبان

فرودگاه حیدرآباد - استقبال دانشگاهیان و مجامع مذهبی از امینی



نگاه نافذ



در انتظار وصال یار

آیت‌الله امینی در بستر احترام



در جوار حق

مزار علامه امینی در نجف اشرف



الغدیر و الطاف مولا^ع



عکاس باشی

خلال نقل و انتقال اسباب، این کتاب قدیمی را در گوشه اتاق یافته‌ام. و زخم می‌گوید: این کتاب، نه سودی به تو می‌رساند و نه آن را مطالعه خواهی کرد. برو و آن را به رسم هدیه، تقدیم شیخ امینی کن. باشد که او را سودمند افتد. امینی می‌گوید: کتاب را گرفتم و غبار از آن ستردم. ناگهان دیدم همان کتاب خطی است که من مدتی طولانی در جستجوی آن هستم: «در السطین!» به سجده افتادم و خدای را بابت این نعمت غیر مترقبه سپاس گفتم.^۲

علت گریه

حجت‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ رضا امینی، فرزند و دستیار دانشور امینی، در اسفند ۷۹ (عید غدیر ۱۴۲۱ق) در منزلشان فرمودند:

علامه امینی از مدح و تعریف دیگران خوشش نمی‌آمد و هنگام ورود به مجالس معتقد به نشستن در صدر مجلس یا قسمتی خاص از آن، نبود و همچون افراد عادی، در بین جمع می‌نشست. به کسلی نیز که از وی تعریف می‌کردند تذکر می‌داد به جای این کار، به مدح و ثنای اهل بیت پیامبر (سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین) و بویژه معرفی مقام مرام آن بزرگواران بپردازند.

به گفته حاج آقا رضا: امینی به علما و روحانیون می‌فرمود: اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، علت غائی علم و وجود و بنابرین، ولی نعمت ما هستند و ما به طفیل وجود آنان زنده‌ایم و از نعمت‌های مادی و معنوی الهی بهره می‌بریم. علاوه، آنچه آبرو و اعتبار در بین مردم داریم و از احترام معنوی و کمک‌های مادی آنها بهره می‌بریم، همه و همه از صدقه سر انتسابمان به آن بزرگان است. لذا باید ببینیم در برابر این حق عظیمی که آنان بر گردن ما دارند، برای معرفی مقام و حفظ شأن و ترویج مکتبشان چه وظیفه‌ای داریم و چگونه باید این وظیفه خطیر را به نحو احسن انجام دهیم؟

به گفته حاج آقا رضا: افراد زیادی از علمای شیعه و دانشمندان اهل سنت و حتی غیرمسلمان، از کشورهای اسلامی و اروپایی، به کتابخانه امیرالمومنین و محضر علامه می‌آمدند و علامه به اشکال گوناگون آنان را راهنمایی می‌کرد و آنها نامه‌ها و تقدیرنامه‌های بسیاری برای ایشان می‌فرستادند. منتهای علامه اجازه نمی‌داد که ما اینها را جمع و منتشر سازیم. می‌فرمود: اینها مشکلی علمی داشته، به ما مراجعه کرده و ما نیز هدایتشان کرده‌ایم. این امر، جز عمل به وظیفه چیزی نبوده و انتشار آنها، نوعی اظهار وجود از سوی ماست. خیر، لازم نیست. در گفتگو با علما و مراجع حوزه‌ها، نسبت به آینده حوزه‌ها و طلاب، از حیث مسائل اعتقادی، احساس و اعلام خطر می‌کرد و می‌گفت: برنامه درسی حوزه‌ها ناقص است و آموزش یک دوره عقاید استدلالی صحیح شیعه به طلاب، در برنامه حوزه‌ها پیش‌بینی نشده است. طلبه بالا می‌آید ولی به عقاید اسلامی و شیعی خویش آگاه و مسلط نیست.

حاج آقارضا می‌گفت در دوران کودکی، کرارا مشاهده کردم که پدرم برخی اوقات در حالی که پشت میز نشسته و مطالعه می‌کند ناگهان از مطالعه باز می‌ایستد و با صدای بلند شروع به گریه می‌کند.

این امر برای من که کودکی بودم جای سوال داشت و می‌دانستم که او بر مظلومیت اهل بیت می‌گرید. از مادرم پرسیدم که چرا پدرم گاه‌اینچنین می‌گرید و او مرا ارجاع به خود پدر داد. از وی پرسیدم فرمود: پسرم تو هم که بزرگ شدی، راه مرا در مطالعه و تحقیق پیرامون این کتاب‌ها ادامه خواهی داد و آن وقت می‌فهمی که چرا من اینچنین بی‌تاب شده و گریه می‌کنم.

پاورقی:

۱. الصراط المستقیم، تألیف شیخ زین‌الدین ابومحمد علی بن یونس علملی بیاضی است که بعدها توسط کنلیخفه مرتضی در تهران چاپ شد ● ۲۰ ر. که یادنامه علامه امینی همان، ص ۱۴. اظهارات آیت‌الله نجومی آیت‌الله شهرستانی نیز مورد دیگری از کرامت مولا^ع به امینی را (در یافتن کتب مورد نیاز خویش) نقل می‌کند که نشان می‌دهد این گونه ماجراها در زندگی علامه مکرر رخ داده است (همان: صص ۱۱). نیز ر. که ربع قرن مع‌العلامه الامینی، حسین شاکری، صص ۲۸۰-۲۷۹) ● ۳. همان، صص ۶۲-۶۳.

نیز از لطف الهی به گریه افتاد. کتاب مذکور و چند جلد کتاب نفیس دیگر را به من امانت داد و مدت ۳ سال نزد من بود تا این که پس از رفع حاجت، به وی رد کردم.^۳

یک شب جمعه در حرم حضرت امیر علیه‌السلام مشغول زیارت و دعا بودم و در خلال آن از خدا می‌خواستم که به حق امیرالمومنین علیه‌السلام، کتاب «در السطین» را که در آن زمان هنوز طبع نشده و کمپاب بود برایم فراهم کند تا به کمک آن، بحثی مهم از فصول الغدیر را به انجام برسانم. در حین دعا، چشمم به فردی روستایی افتاد که برای برآورده شدن حاجت خویش به زیارت حضرت آمده بود و شفای گلو‌ماداش را از امام طلب می‌کرد. تصادفاً یک هفته بعد از آن تاریخ، باز در حرم بودم که دیدم آن روستایی آمد و از این که به لطف حضرت، مرادش حاصل شده بود از ایشان تشکر کرد.

امینی می‌گوید: با شنیدن کلام روستایی، از کوره دررفتم زیرا امام، حاجت (شخصی) مرد روستایی را برآورده بود و حاجت مرا (که جنبه دینی و عمومی داشت) فرو گذارده بود! به امام عرض کردم:

شما، خواسته مرد روستایی را برمی‌آوردید و این در حالی است که من، مدتی است شما را در خانه خدای متعال شفیع قرار داده و به وسیله شما به خداوند توسل جسته‌ام تا مرا به کتابی که در پی آنم برساند، و هنوز نرسیده‌ام. آیا من این کتاب را برای شخص خود می‌خواهم، یا برای کتاب خود شما، الغدیر؟! گریستم و اشکم جاری شد. سپس با حالی ناخوشایند از حرم خارج شده به منزل رفتم و آن شب را از شدت تأثر، چیزی نخوردم و در بستر نیز خواب از چشمم گریزان بود (تا بالاخره به خواب رفتم و) در خواب، دیدم که به محضر حضرت امیر(ع) مشرف شده‌ام و حضرت می‌فرماید: مرد روستایی، سست ایمان بود و بر تأخیر در انجام حاجتش، صبر و شکیبایی نداشت.

از خواب بیدار شدم در حالی که سخت شاد و خوشحال بودم و به خود نوید می‌دادم که گره از کارت گشوده خواهد شد! اصبحدم بر سر سفره صبحانه نشسته بودم که همسایه، که فردی بنا بود. در زد و پس از سلام و احوال پرسی گفت: ای شیخ، من خله‌ای تو، وسیعتر از این خله خریدم و غالب اثاثیه‌ام را بدانجا برده‌ام. در



کریم حق پرست

در طول نگارش «الغدیر» لطف مولا پیوسته شامل حال علامه امینی بود و یسا می‌شد که وی برای تکمیل تحقیقات خود، نیاز به کتابی می‌یافت و دارندگان آن، به اشکال مختلف از دادن کتاب به وی دریغ می‌کردند. و او به مولا^ع متوسل می‌شد و ناگهان آن کتاب، به شکلی معجزه‌آسا، به دست او می‌رسید! در این زمینه و سایر ویژگی‌ها و خصوصیات امینی، خاطرات زیر خواندنی است:

علامه امینی، خود نقل می‌کند: هنگام تألیف الغدیر، بسیار مایل بودم کتاب «الصراط المستقیم» را ببینم. نسخه خطی این کتاب نزد کسی بود. شی، اوایل مغرب هنگام تشریف به حرم مطهر، وی را دیدم که با یک دو تن از اهل علم، در ایوان مطهر نشسته و مشغول صحبت بود. نزد او رفتم و پس از احوال‌پرسی، تقاضا کردم مدتی کتاب را امانتاً در اختیارم بگذارد. عذرهایی آورد، گفتم: اگر نمی‌خواهی کتاب را به من امانت دهی، به بیرونی منزلت آمده همانجا مطالعه می‌کنم، و چنانچه این را هم قبول نداری در دالان منزلت نشسته مطالعه می‌نمایم. گفت: خیر، نمی‌شود! آخر الأمر گفت: شما هیچ گاه این کتاب را نخواهید دید! با شنیدن این جمله، گویی آسمان را بر سر من کوبیدند!

به حرم حضرت امیر مشرف شده و خطاب به ایشان عرض کردم: آقا، چقدر شما مظلومید! یکی از ارادتمندان و شیعیان شما، کتابی را در فضایل و حقانیت شما نوشته و یکی از ارادتمندان و خدمتگزاران شما هم می‌خواهد آن را بخواند و به دیگران برساند! این کتاب نزد یکی از شیعیان و ارادتمندان شما و در محیط زندگی شیعیان شما در کنار قبر مطهر شما قرار دارد؛ اما باز هم او از این کار ایا دارد! برآستی که شما مظلوم تاریخ در طول قرون هستند! می‌فرمود: حال گریه عجیبی داشتم، به طوری که تمام بدنم تکان می‌خورد. ناگهان به قلمب افتاد که فردا صبح، به کرپلا برو! به محض خطور این معنا در قلمب، دیدم حال گریه از میان رفته و یک شادابی مرا فرا گرفته است. که هر چه به خود فشار می‌آورم تا به آن گریه و دردل ادامه دهم، نمی‌توانم! یکی آن حال رفته است و تنها یک مطلب در دل من جایگزین شده است: به کرپلا برو!

از حرم مطهر بیرون آمده به منزل رفتم. صبح به اهل منزل گفتم: قدری صبحله به من بدهید، می‌خواهم به کرپلا بروم. گفتند: چرا وسط هفته می‌روید و شب جمعه نمی‌روید؟ گفتم: کاری دارم.

به کرپلا رفتم و در حرم مطهر حسینی^ع به یکی از آقایان محترم اهل علم برخورددم، خیلی اظهار محبت کرده و گفتند: آقای امینی، چه عجب وسط هفته به کرپلا آمده‌اید؟! (رسم علما آن بود که پنجشنبه‌ها به کرپلا مشرف می‌شدند تا زیارت شب جمعه را درک کنند). گفتم: کاری داشتم. گفت: آقای امینی، ممکن است از شما خواهشی بکنم؟ گفتم: بفرمایید! گفت: مقداری کتب نفیس از مرحوم پدرم باقی مانده که به بلااستفاده مانده و تقریباً محبوس است، بیایید آنها را ببینید، اگر چیزی به دردتان می‌خورد امانتاً ببرید و بعد برگردانید. گفتم: کی بیایم؟ گفت: امروز کتاب‌ها را بیرون آورده مهیا می‌کنم. جناب عالی فردا صبح برای صرف صبحانه به منزل ما تشریف بیاورید؛ هم صبحانه صرف کنید و هم کتاب‌ها را ملاحظه نمایید. قبول کردم و رفتم. مقدار بیست و چند جلد کتاب بر روی هم گذارده بود. اولین کتاب را که برداشتم، دیدم نسخه‌ای بسیار پاکیزه و نفیس از کتاب «الصراط المستقیم» است! حالت گریه شدیدی به من دست داد. صاحبخانه علت را جویا شد، جریان صحبت با آن فرد در نجف، و سفر به کرپلا برای پیدا کردن این کتاب را، برای او نقل کردم. او



به کوشش آسیه آل احمد

با انتشار الغدير، خيل دانشمندان و بزرگان جهان اسلام - اعم از شيعه و سنی و حتی مسيحي - با ارسال نامه‌هایی برای علامه اميني، از وسعت تتبع، دانش سرشار امانت ژرف و علميت ویژه‌ای که در الغدير گرد آمده است یاد کردند و هر يك با تعبيری، مولف و اثر گرانقدر او را ستودند. در داخل ایران نیز نویسندگان و حتی شعرا با سلیقه و اعتقادات مختلف بر تلاش علمی اميني و اتقان و منانت الغدير مهر تایید زدند. تا بدانجا که شاید بتوان گفت اجماعی بدین گستردگی و شمول را در کمتر موضوعی می‌توان مشاهده کرد. بعضی از تعابیری که اندیشمندان مزبور پیرامون الغدير به کار برده‌اند بدین قرار است:

«آرزوگاه پژوهشگران»، «دایره‌المعارف بزرگ»، «کتابی که هر مسلمانی باید آن را به دست آورد»، «آبشخواری گوارا و دایره‌المعارفی طرفه و نادر»، «جهان پهناور شناخت»، «کتاب اطمینان بخش تاریخ و گشایشگر آفاق معرفت»، «دریای موج خیز»، «همه وقایع تاریخ و صور زمان»، «کوشش علمی بی‌نظیر»، «کتابی نه چون دهشت آفرین»، «کتابی که خیزابه گرفته»، «کتاب گرانبها»، «معجزه قلم»، «اثری جاویدان»، «تحقیق گرانبها»، «هفت دریا در غدیری خرد»، «مدرسه سیار اتحاد اسلامی»، «منطق قوی متکی به قرآن و سنت»، «زداینده گرد و غبار تاریخ از چهره امیرالمومنین»، «مجموعه بیکرانی از مسائل برجسته فرهنگ و تمدن اسلامی»، «کتاب ممتاز» و ...

در مجموعه حاضر گوشه‌هایی از شخصیت و جایگاه علمی، دینی و معنوی علامه اميني و دایره‌المعارف الغدير بیان شده است.

علاقه نواب صفوی به اميني

علامه اميني، استاد نواب صفوی بود و علاقه فراوانی به آن سیدغیور و مخلص داشت؛ متقابلاً شهید نواب نیز ارادت بسیار به استاد خود می‌ورزید. داستان زیر گوشه‌ای از این رابطه متقابل را به نقل از آقای عبدخدایی بازگو می‌سازد:

این ماجرا مربوط به تابستان سال ۱۳۳۴ است. مرحوم علامه اميني که مرحوم نواب به او علاقه عجیبی داشت، استاد نواب بود. ایشان تابستان‌ها از نجف به تهران می‌آمد و در پاچنار، منزل اجاره‌ای خودش، الغدير را تصحیح می‌کرد و می‌نوشت. یک روز ما ناهار نداشتیم - مثل خیلی از روزهای دیگر - مرحوم نواب گفت: «امروز برای ناهار و دیدن علامه اميني به خانه ایشان می‌رویم» من و مرحوم نواب، سیدعبدالحسین و سیدمحمد واحدی و خلیل طهماسبی پنج نفری منزل علامه رفتیم. خوب به یاد دارم که علامه اميني در همان دیدار به نواب گفت: «من حیقم می‌آید از شما، ایران نمانید، شما را می‌کشند. بیایید برویم نجف درس بخوانید. با استعدادی که دارید پیشرفت می‌کنید، مرجع می‌شوید، آن وقت اقدام کنید. هزینه رفتن شما به نجف با من.»



شهید نواب صفوی

نواب صفوی نگاهی به علامه اميني انداخت و مکت کرد و بعد گفت: «اسلام سرباز و درسخوان دارد، سگ [نگهبان] ندارد... من و برادرانم می‌خواهیم سگ اسلام باشیم ...» علامه اميني چشم‌هایش پر از اشک شد، سرش را انداخت پایین و از اتاق بیرون رفت...
خاطرات محمدمهدی عبدخدایی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

غیرت دینی

رضاخان در جهت مبارزه با دین و دینداری، به هر کس که در این مسیر به کار می‌آمد، میدان می‌داد، یکی از این افراد احمد کسروی بود که در تقابل با اسلام و تشیع، آنچنان گستاخ شده بود که مخالفت‌هایش جنبه اهانت به بزرگان دین را یافته بود. در این شرایط؛ علامه اميني، این همه جسارت را برنتابید و فریاد کمک‌خواهی سر داد که نواب صفوی به این ندا پاسخ مثبت داد. آیت‌الله خزعلی در این زمینه می‌گوید:



آیت‌الله کزعلی

شهید نواب به انگیزه تحصیل به نجف رفت. همزمان با سفر ایشان، کسروی در تهران، صریحاً به امام صادق و امام کاظم علیهماالسلام توهین ... کرد. (ص ۸۹)
این توهین، حوزه علمیه نجف را خشمگین ساخت. مردی توانا مثل مرحوم علامه اميني، صاحب الغدير آشفته شد و گفت: کسی نیست جواب این کسروی را بدهد؟ (ص ۷۷)
مرحوم علامه اميني، صاحب الغدير، در این زمینه با آقای نواب تماس گرفت و به احتمال قوی در ترور کسروی، محرک واقعی، ایشان بود. (ص ۸۹)
خاطرات آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

پشتکار تحسین برانگیز

نحوه مطالعه و تلاش پیگیر علامه اميني برای دستیابی به کتابخانه‌ها و کتاب‌ها مثال‌زدنی بوده است. در این زمینه نمونه‌ای را مرحوم دکتر شهیدی نقل می‌کند:



دکتر شهیدی

[علامه اميني] در کتابخانه یکی از شهرهای عراق به مطالعه پرداخته بود، چون این کتابخانه در هر شبانه‌روز تنها چهار ساعت بیشتر باز نبود و جناب اميني هم نمی‌توانست بیش از چهار روز در آن شهر بماند. با توافقی که میان وی و رئیس کتابخانه برقرار شده بود، اميني هر روز به هنگام ظهر، یعنی ساعت تعطیل کتابخانه وارد آنجا می‌شد، کتابدار در راه روی او می‌بست تا روز بعد ساعت ۸ صبح که در راه رویش می‌گشود. در نتیجه او روزی بیست ساعت در این کتابخانه کار کرد و با لقمه نانی که همراه داشت و جرعه آبی که کتابدار در اختیارش می‌گذاشت، توانست از میان چهار هزار نسخه خطی، مأخذ دلخواه خود را بیابد، ضمناً زحمتی هم برای کتابدار فراهم نسازد.

علی‌رضا سیدکباری، علامه اميني مصلح نستوه، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۹۸.

زیارت عرفانی

علامه اميني، علاقه‌ای شگرف به معصومین علیهم‌السلام داشت که این عشق، در هنگام زیارت، بروز و ظهور کاملی می‌یافت. استاد عمید زنجانی که شاهد زیارت اميني در نجف اشرف بوده است، در این مورد می‌نویسد:

در طول هشت سالی که در نجف بودم، دو تا منظره زیارت خیلی خوبی را دیده‌ام، یکی زیارت کردن مرحوم آیت‌الله عبدالحسین اميني بود که خیلی با حال بود و واقعا حالت عرفانی خیلی جالبی داشت و دیگری زیارت امام [خمینی] بود. البته در مشهد، زیارت کردن مرحوم آیت‌الله سیدمحمد هادی میلانی را هم دیده بودم که قاعدتاً آن یک مورد استثنایی نبود، ...

خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین عمید زنجانی، تدوین: محمدعلی حاجی‌بیگی کندی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۹۷

نویسندگان ایرانی؛ الغدير و علامه اميني



علامه مرحوم محمدمهدی جعفری: علامه فقید مجاهد شادروان عبدالحسین اميني ... یکی از موثرترین گام‌های بلند را در زدودن گردوغبار تاریخ از چهره امیدبخش علی بن ابیطالب برداشته است.

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی: کار عظیم مولف الغدير، تنها تاریخ‌نویسی، یا بازخوانی تاریخ نیست ... در کتاب او مجموعه بیکرانی از مسائل برجسته فرهنگ و تمدن اسلامی، همچون زنجیره‌ای به هم پیوسته، با نگاهی تیزبین و ذهنی هوشیار مورد تحلیل و نقد علمی قرار می‌گیرد.



سیدغلامرضا سعیدی: اسلام، معجزه تاریخ است و معجزه اسلام، شخص امیرمؤمنان، بنابراین گزاف نخواهد بود که اثر جاوید «الغدير» را به همان تناسب، معجزه قلم بدانیم؛ قلم یکی از یاران امیرمؤمنان.



مهدی اخوان ثالث (م. امید): پاکمرد بزرگوار و گرانمایه: علامه اميني ... ارجمندی عالیمقدار که تمامت بود و نبود خویش، وقف هدف بزرگ و معنویت پرشکوه و درخشانی کرد که برای همگنان عالم، گرمی و پراچ و عزت است و سودمند ...



دکتر مهدی محقق: خداوند او را جزا دهد که هم به دین و هم به علم خدمت کرد و اثری جاویدان از خود به جای گذاشت که حاکی از کوشش و زحمت و استقصاء و تتبع و تحقیق یک دانشمند مسلمان است.

استاد جلال‌الدین همایی: من هر قدر درباره عظمت مقام و منزلت علمی و ایمانی صاحب الغدير سخن بگویم، یکی از هزار حق او را ادا نکرده باشم. این است که با دعا و طلب مغفرت درباره آن بزرگوار، مقاله خود را ختم می‌کنم، روانش شاد و تربتش از شمع رضای الهی پر نور باد.



دکتر عبدالحسین زرین‌کوب: باید امید داشت که این تحقیق گرانبهای مرحوم اميني در کتاب الغدير ایشان، ذریعه‌ای تلقی شود برای ایجاد تفاهم بین مسلمین، و نه آن گونه که بعضی کوتاه‌نظران می‌پندارند، بهانه‌ای شود برای مزید اختلاف و تزاخم فریقین. در واقع مولف الغدير نیز به همین نکته نظر داشته است و اگر در آغاز مجلد هشتم کتاب خویش، به صراحت می‌گوید که «الغدير در دنیای اسلام صف‌ها را متحد خواهد ساخت» حق با اوست نه با بدبینان کوتاه‌فکر که در حقیقت کتاب وی را چنان که باید، قدر ندانسته‌اند.

دکتر حمید عنایت: آنچه به گمان من، الغدير را در میان کتاب‌های مذهبی ممتاز می‌کند، آمیختگی تعهد اعتقادی نویسنده با وسواس او در تحقیق و شناخت و سنجش منابع تاریخی است. از یک طرف در هیچ جای این مجموعه نیست که یکدلی و ایقان نویسنده در آنچه باور دارد و دیگران را به پذیرش آن فرامی‌خواند، سستی‌پذیرد، ولی از طرف دیگر، کمتر مطلبی را در «الغدير» می‌توان یافت که به شکل خطایی محض یا مجرد ادعا بیان شده باشد.



منابع:

حماسه غدیر، محمدرضا حکیمی • یادنامه علامه اميني (مجموعه مقالات تحقیقی)، به اهتمام دکتر سیدجعفر شهیدی، محمدرضا حکیمی، انتشار، ۱۳۵۲



امام و «الغدیر»

حضرت آیت الله شیخ جعفر سبحانی می فرمودند:

امام تابستان ها که درس ها تعطیل می شد و فراغتی پیدا می کردند، هر سال با استفاده از این فرصت، کتاب هایی را مطالعه می کردند و تا آنجا که در یاد دارم یک سال هم مطالعه تابستانی خود را به دوره ارزشمند کتاب الغدیر نوشته مرحوم آیت الله علامه امینی اختصاص داده بودند و با نظر اعجاب به این کتاب می نگریستند.

«الغدیر» از نگاه اندیشمندان اهل سنت

دوری از تعصب

محمد عبدالغنی حسن (مصری): دانشمند بزرگوار «امینی» از زلال محبت پیشوا (علی علیه السلام) و پیروان او سیراب گشته... در عین این که محبت سرشار و شیفتگی، سراسر وجود او را فرا گرفته، از عصبيت و هواهای نفسانی دور است... از خداوند مسالت می کنم که بر که آب زلال شما را [کنایه از غدیر زیرا غدیر، در عربی به معنای بر که آب است] سبب صلح و صفا میان دو برادر شیعه و سنی قرار دهد که دست به دست هم داده، بنای امت اسلامی را بسازند.^۱

نزدیک شدن شیعه و سنی

عادل غضبان مدیر مجله مصری الکتاب: این کتاب منطق شیعه را روشن می کند و اهل سنت می توانند به وسیله این کتاب، شیعه را به طور صحیح بشناسند. شناسایی صحیح شیعه سبب می شود که آرای شیعه و سنی به یکدیگر نزدیک شود و مجموعاً صف واحدی تشکیل دهند.^۲

راهی به سوی عقاید شیعه

دکتر محمد غلاب، استاد فلسفه در دانشکده اصول دین جامع الازهر: ما به یقین معتقدیم که جوانان اسلامی این عصر از این کتاب نفیس [=الغدیر] ... استفاده خواهند نمود... علاقه مندم که راهی به سوی عقاید واقعی و صحیح شیعه امامیه به رویم گشوده شود که با بینش و تدبیر کافی در آن، بررسی و اظهار عقیده کنم تا در برابر این فرقه جلیله دچار لغزش و سقوط نشوم!^۳

جبران گذشته

دکتر عبدالرحمن کبالی: کتاب الغدیر و محتویات غنی آن چیزی است که سزاوار است هر مسلمانی از آن آگاهی یابد تا دانسته شود چگونه مورخان کوتاهی کرده اند و حقیقت کجاست؟ ما به این وسیله باید گذشته را جبران کنیم و با کوشش در راه اتحاد مسلمین به اجر و ثواب نایل گردیم.^۴

برطرف کننده اوهام

شیخ محمدسعید دحدوح از علمای برجسته سوریه: «الغدیر» ... اوهامی را برطرف نمود و حقایق را ثابت کرد که ما به آنها وقوفی نداشتیم و نمی دانستیم و سخنانی را و مطالبی را ابطال کرد که قرن ها بر مبنای آن مطالب نگوشتیم و ما چنین می پنداشتیم که آن مطالب، مطابق واقع است! و نمی دانستیم از کجا آمده، و در اسرار آن نمی اندیشیدیم! ... و این امر برای هر سخندان و اهل بحث و تحقیق اکنون از ضروریات است که به این دقایق پی ببرند، ولی نه به منظور برانگیختن اختلاف و بروز کینه های قبلی که موجبات آشفتنی و تقار را فزونی بخشد، بلکه برای آشکار ساختن و بیان اینکه: حق کدام است؟ پیروان علی مرتضی کینند؟^۵

دریای آکنده از مروارید

عبدالفتاح عبدالقاصد مصری نویسنده

دوره ۴ جلدی «امام علی»: در حالی که نمی توانستیم دیدگانم را از سطرهای این کتاب و کلمه های آن برگیریم، چیزی نمانده بود که خرد و فرزنگی ام در جهانی پهنانور از معرفت و بینش سردرگم شود... آیا این غدیر است؟ نه، دریایی آکنده از مروارید است. مرواریدهای گونه گون رنگارنگ که هوش و خرد از شمردن آن حیران و ناتوان می شود.^۶

مردی که خود، امتی است

علاءالدین خروفه: من گمان نمی کردم در این عصر که مادیات بر آن غلبه کرده است و به شتابزدگی در کار تالیف و سطحی بودن بحث و تحقیق معروف است، مردی که گویا به تنهایی، خود امتی است، نهضت کند و این کتاب جلیل، که مانند آن را جمعیتی هماهنگ از دانشمندان عمیق در علم نتوانند به دست داد، پدید آورد.^۷

یک شیعه و یک مسیحی

بولس سلامه بیروتی از محققان مسیحی: دلایل بزرگی بر شخصیت امیرالمومنین، بلکه امیر تمام عرب، هر آینه برتر از آن است که به شماره درآید و آن کس که بخواید دلایل مزبور را به شماره درآورد، به مانند کسی است که بخواید اشعه خورشید را به چنگ آرد! و من در این نامه اکتفا می کنم به ذکر یکی از آن دلایل و آن این است که: دو مرد بر مبنای دوستی خاندان پیغمبر با یکدیگر تلافی می نمایند، یکی از آن دو مرد، شیعه بزرگواری است که ۱۵ سال است قلم خود را در راه خدمت به حق وقف نموده و هم اکنون نیز به این خدمت ادامه می دهد و او تو هستی و دومین آنها، این مرد مسیحی ناتوان است که اخیراً [در اثر مطالعه الغدیر] به این عقیده درآمده است.^۸

پانویس ها:

۱. الغدیر، ج ۱، ترجمه محمدتقی واحدی، مقدمه چلپ دوم، ۲۰۱۲. یادنامه علامه امینی، به کوشش دکتر سید جعفر شهیدی، محمدرضا حکیمی، ص ۲۴۱ (۲۸۲) هزار روز تاریخ ایران و جهان، ضمیمه روزنامه اطلاعات، ص ۳۵۳ (۴) یادنامه علامه امینی، همان، ص ۲۴۲
 ۲. شیخ عبدالحسین امینی نجفی، ترجمه محمدتقی واحدی، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۱۴ (۶) محمدرضا حکیمی، حماسه غدیر، انتشار، ص ۳۷۰ (۷) همان، ص ۴۰۶ (۲۸۸) هزار روز تاریخ ایران و جهان، همان، ص ۲۵۴

جلوه های از عنایات اهل بیت^ع به علامه امینی

آقای حبیب چاپچیان (حسان) شاعر اهل بیت^ع که از مرتبطان با علامه امینی است، در گفتگو با ایام، داستان عجیبی را نقل می کند که نشانگر عنایات اولیای الهی به علامه و کتابخانه تاسیس شده توسط وی در نجف به نام «کتابخانه عمومی امیرالمومنین» است:

معمولاً علامه امینی از نجف به تهران تشریف می آوردند و هنگام اقامت در تهران، یکی از تجار چای به نام حاج کریم دستمالچی (رومینا) تمام کارهای شخصی اش را کنار می گذاشت و کمر به خدمت علامه می بست، او ایثار می کرد و کارهای علامه را بر امور خویش مقدم می داشت.

مرحوم دستمالچی تعریف کرد که در یکی از این سفرها، روزی علامه امینی به من گفت: ۵ - ۴ کتاب است [اختلاف تعداد از ضعف حافظه من ناشی می شود - حسان] که بسیار ذی قیمت می باشد و من در سفرهایم به هند و پاکستان و ... آنچه در توان داشتم جستجو کردم، ولی آنها را به دست نیاوردم، شما هم جستجو کن اگر آنها را در کتابخانه های شخصی و ... پیدا کردی به هر قیمت این ها را بخر - قیمت را هم محدود نکرد - و پس از خریدن کتاب ها به نجف تلگراف بزن و خبرش را بده.



آقای کریم دستمالچی

این کتاب ها مربوط به برادران اهل سنت بود که در آن مدح و شئون محمد^ص و آل محمد^ع ذکر شده بود. مرحوم دستمالچی در ادامه افزود: عجیب این است که پس از بازگشت علامه به نجف یک روز یکی از افرادی که علاقه به کتاب داشت و خیلی هم ثروتمند بود به من تلفن زد و گفت: من به مرضی مبتلا هستم که تمام پزشکان مرا جواب کرده و گفته اند: اگر می خواهی، برای اطمینان خاطر، سفری هم به خارج برو و خودت را به اطباء خارجی نیز نشان بده و من چون یقین دارم که زنده نمی مانم، ۵ - ۴ کتاب دارم که در دنیا بی نظیر است و شاید منحصر به فرد باشد، شنیده ام شما برای علامه امینی کارهایی انجام می دهید، دوست دارم این کتاب ها را برای ایشان به نجف بفرستید.

مرحوم دستمالچی نشانی وی را می گیرد و به منزلش می رود، او می گفت: در طول مسیر ضربان قلبم شدت گرفت و می گفتم: خدا کند میان این کتاب ها، یکی از کتاب هایی که علامه دستور تهیه اش را به من داده اند، وجود داشته باشد. وقتی وارد منزل او شدم، دیدم روی تاقچه چند کتاب چیده شده است. من فوری نام کتاب ها را از جیب درآوردم، اولین کتاب را برداشتم و با فهرست تطبیق دادم، دیدم اولین کتاب در فهرست علامه است. دومین کتاب نیز همان کتاب دوم در فهرست علامه بود، سومی و ... دقیقاً کتاب ها به همان ترتیبی روی تاقچه چیده شده بود که علامه امینی در کاغذ نوشته بود. کم مانده بود روح از تن من جدا شود، با عجله کتاب ها را برداشتم و آمدم به علامه تلگراف کردم و اطلاع دادم که تمام کتاب ها را به دست آوردم.

نقش مثبت الغدیر در وحدت اسلامی

استاد شهید مرتضی مطهری در مقاله ای که پیرامون الغدیر نگاشته و نام «الغدیر و وحدت اسلامی» را بر آن نهاده به دلایل مختلف نقش مثبت «الغدیر» را در وحدت صفوف مسلمین بیان می کند و به چالش برخی تبلیغات منفی کژاندیشان می رود، ایشان در فرازی از این مقاله می نویسد:

نقش مثبت الغدیر در وحدت اسلامی از این نظر است که:

اولاً منطق مستدل شیعه را روشن می کند و ثابت می کند که ... تشیع برخلاف تبلیغات زهر آگین عده ای مولود جریان های سیاسی یا نژادی و غیره نبوده است بلکه یک منطق قوی متکی به قرآن و سنت موجب این گرایش شده است.

ثانیاً ثابت می کند که پاره ای اتهامات به شیعه - که سبب فاصله گرفتن مسلمانان دیگر از شیعه شده است - از قبیل این که شیعه ... از شکست مسلمانان غیر شیعه از غیرمسلمان شاد می گردد و ... شیعه به جای حج به زیارت ائمه می رود، یا در نماز چنین می کند و در ازدواج موقت چنان - به کلی بی اساس و دروغ است.

ثالثاً شخص شخص امیرالمومنین علی علیه السلام را که مظلوم ترین و مجهول القدرترین شخصیت بزرگ اسلامی است و می تواند مقتدای عموم مسلمین واقع شده و همچنین ذریه اطهارش را به جهان اسلام معرفی می کند.

مرتضی مطهری، مقاله «الغدیر و وحدت اسلامی»، مندرج در یادنامه علامه امینی به اهتمام دکتر شهیدی و محمدرضا حکیمی، صص ۲۴۱-۲۴۰.



مصلح دینی و اجتماعی

استاد محمدرضا حکیمی با تالیف کتاب حماسه غدیر به گردآوری بسیاری از آنچه که باید حول محور کتاب الغدیر و علامه امینی بیان شود، پرداخت. ایشان در بخشی از این اثر، الغدیر را «مدرسه سیار اتحاد اسلامی» و امینی را «یکی از مصلحان راستین دینی و اجتماعی» می خواند:

صاحب الغدیر بحق یکی از مصلحان راستین دینی و اجتماعی بود که در همه حرکات و سکنات خویش، در اندیشه سامان بخشیدن به نابسامانی ها بود، چه نابسامانی های علمی و چه اجتماعی.

او به خوبی درک کرده بود که آن همه مطالب ناروا و نادرست که در کتاب ها آمده است و منتشر می شود چگونه به زبان جامعه است و چگونه اذهان را متشتت می سازد و بنیان وحدت و هماهنگی اجتماع اسلامی را ویران می کند. از این رو از تالیف الغدیر گرفته تا کوتاه ترین سخنرانی ای که می کرد، همه و همه با این فکر بود که چگونه بر این همه تشتت پیروز آید و چه سان مولفان خائن را بشناساند و ذهن جامعه را از خوراک های مسموم و تالیفات تفرقه آمیز و سرشار از جعل و بهتان، دور بدارد و چگونه صفا و صلاح و عزت و شرف را به میان اقوام مسلمان بازگرداند؟

و چون در این راه با اخلاص گام می زد و جز خدا و حقیقت چیزی در نظر نداشت، با تالیف الغدیر (یعنی مدرسه سیار اتحاد اسلامی و مشعل عظیم حماسه جاوید و آموزنده راستین تقریب واقعی، تقریبی دور از هر شائبه) توانست ذهنیتی مرتبط در جوامع اسلامی پدید آورد و صداها دانشمند و ناقد و متفکر و اصلاح طلب و ... را با خود هماهنگ سازد و در نشر ولای علی^ع - که یکی از بزرگترین رشته های اصیل مسلمانی است و عالی ترین رمز طلب رهبری صحیح - به توفیق عظیم نایل آید.



استاد محمدرضا حکیمی

محمدرضا حکیمی، یادنامه علامه امینی (مجموعه مقالات تحقیقی) به اهتمام دکتر سیدجعفر شهیدی - محمدرضا حکیمی، صص بیست و شش - بیست و هفت

اسناد ساواک سخن می گوید

حمایت گسترده امینی از امام خمینی



به کوشش: پویا شکیبا

سند شماره ۱

ارمغان

برای اهدای این کتاب خود، کسی را سزاوارتر از صاحب اصلی آن نیافتم. پرچمدار ولایت عظمی امیرالمومنین صلوات الله علیه... ای صاحب ولایت ای آقای امت، ای پدر امامان و پیشوایان... این کتاب خود را به عنوان یک سرمایه ناچیز و نموداری از دوستی بی شائبه خود به پیشگاه مقدس تو اهدا می کنم. با پذیرش آن، بر من بزرگواری فرما و مشمول عنایت و احسان بیکران خود قرارده و به پاس این خدمت، به من نیکی فرما همانا خدای، نیکوکاران را دوست می دارد.

سند شماره ۲

گوشه‌ای از وصیتنامه امینی

...مخارج کفن و دفن و مجلس فاتحه به صورت عادی - [برگزار شود]. ۲ سال نماز و ۲ ماه روزه استیجاری، اطعام ۴۰ نفر از سادات... ۱۰ سال برای زیارت عاشورا نایب گرفته شود که به کربلا رفته و بجا آورد. ۱۰ سال، ایام وفات حضرت صدیقه سلام الله علیها ما اقامه عزا به نام آن بی بی عالم شود در یکی از دو جمادی...

اولاد خود را وصیت می نمایم که حتی الامکان از جوار مولا امیرالمومنین علیه السلام دور نشده و تا زنده هستند خدمت آن بزرگوار را فرض خودشان شمرده و با جان و دل، آنچه توانند خدمت کنند و از کتابخانه مبارک امام علیه السلام نگهداری نمایند تا زحمات من تباه نبوده و بی نتیجه نگردد.

اگر اجل در خارج نجف اشرف مرا درک نمود از اولاد و از رفقای خود تقاضا می نمایم که هر چه توانند فعالیت کنند که جنازه من، نقل به آستان قدس

امیرالمومنین بوده باشد... و از دعای خیر فراموشم نمایند و در مجالس تعزیه و توسل و دعا یادی از حقیر داشته باشد، مرا بخشیده و عفو نماید و در صورت تحقق دفن حقیر در نجف اشرف، در سرداب زمین حمزه بحر در زاویه [ای] که الان اتاق ظهور تصاویر است دفن نمایند. چون این زمین با نفقه مرحوم حاج سید رضاخان اخوی خریده شد و آن مرحوم زیاد طالب بود که حقیر در آن خاک مدفون شوم.

سند شماره ۳

امینی، منادی اتحاد مسلمین

تاریخ: ۴۹/۴/۲۹ شماره: ۲۰/۹۵۸۹ هـ ۲

برگزاری نماز به وسیله طالقانی و مراسم ختم مرحوم آیت الله امینی و سخنرانی امامی در مسجد هدایت ساعت ۱۹/۳۰ روز پنجشنبه ۴۹/۴/۱۸ به وسیله سید محمود طالقانی در مسجد هدایت نماز برگزار گردید و سپس مراسم ختمی به مناسبت فوت مرحوم آیت الله امینی صاحب کتاب الغدير از طرف طالقانی تشکیل شد که در این جلسه علما و سایر افراد شرکت داشتند و تعداد شرکت کنندگان در حدود ۴۰۰ نفر بود و افراد شناخته شده عبارتند از: مرتضی مطهری، کاظمی امام جماعت مسجد الرضا واقع در چهار راه عباسی و خواهرزاده طالقانی، برادر و فرزند آیت الله امینی، مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سبحانی، حاجی زاده مقدم، شجاعی، احمد لباسچی، مصطفی صادقی.

ابتدا قرار بود در این جلسه مطهری به منبر برود ولی چون دیر کرد به جای ایشان امامی به منبر رفت و درباره شخصیت علما مخصوصاً آیت الله امینی صحبت کرد و اظهار داشت: آیت الله امینی در بین برادران شیعه و

سنی برادری را برقرار کرد و کینه و عداوت را از بین برد و با زحمات پرارزش خودش مانند علمای [قرن های] اول و دوم و سوم هجری زحمات زیادی کشید و ادامه داد: قرن دوم هجری در حدود ۴۰۰ پزشک در بغداد ... [بودند] و تمام غربی ها از هر طبقه به ما احتیاج داشتند و به کشور ما روی می آوردند ولی با اظهار تأسف باید بگویم که [امروزه] اگر بیمار شویم یک طبیب حاذقی نداریم؛ چرا باید کشور ما این چنین باشد، چرا کشوری که باعث به وجود آوردن همه اینها، بوده حالا چرا باید دست توسل به طرف این ها دراز کند؟

در این جلسه هر گونه اعلامیه پخش گردیده است که نمونه هایی به پیوست می باشد.

سند شماره ۴

امینی و تبعید امام

تاریخ: ۴۹/۱۱/۱۴ شماره: ۳۰/۱۱۵۴۹ هـ ۳

موضوع: جلسه منزل شیخ حسین لنگرانی در ساعت ۱۹/۳۰ روز ۴۹/۱۱/۴ جلسه ای با شرکت احمد انتصاری، مرتضوی معمم ۵۰ ساله کتابفروشی در بازار بین الحرمین، اسدالله نقاش زاده کارمند ثبت و شخصی که عزیزالله نامیده می شد و از اهالی خیابان لرزاده است در منزل لنگرانی تشکیل گردید.

عزیزالله اظهار نمود: ... در موقع خروج خمینی از ایران، مرحوم آیت الله علامه امینی مبلغ ۱۱۸ هزار تومان خرج تلگراف کرد و مراجع بین المللی را به پشتیبانی از خمینی دعوت نموده است و شاهد این موضوع سیدعلی موسوی خامنه ای و کرباسی داماد وی هستند.

سند شماره ۵

مبارزان به ملاقات علامه امینی می روند

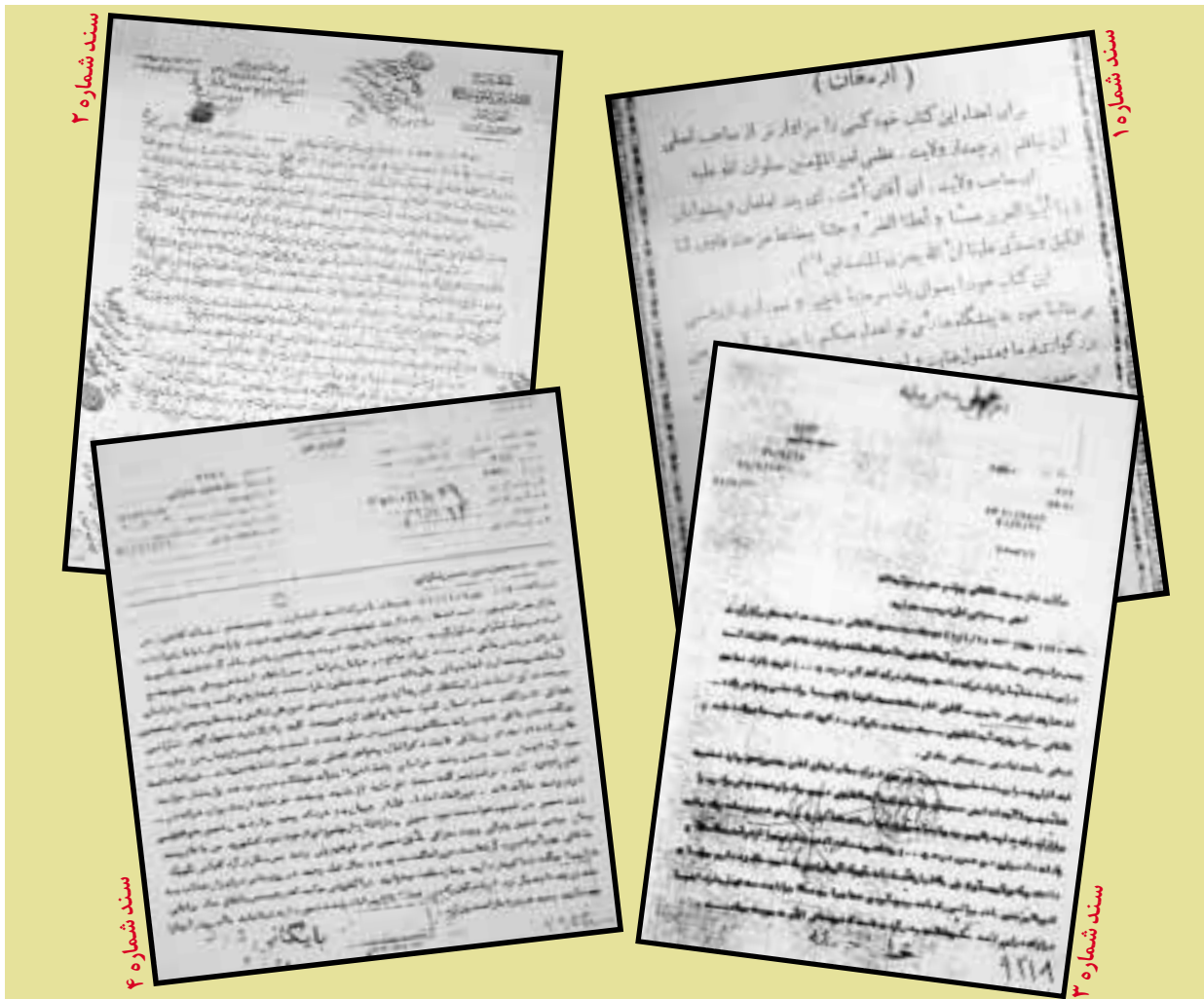
رونوشت اطلاعیه شماره ۲۰/۵۶۵۹ هـ ۲۰/۳/۱۲ هـ ۴۵

علامه امینی جلوه ای تام و تمام از یک انسان مخلص و کوشا بود. نشانه های این اخلاص را می توان در تقدیمیه الغدير که در ابتدای آن آمده است و در وصیت نامه او نیک دریافت (سند های شماره ۱ و ۲) وی با انتخاب هوشمندانه موضوع غدیر در ایجاد اتحاد واقعی و مستحکم میان مسلمین کوشش می کرد. لذا این امر در زمان حیات او توسط متفکران متعدد (همچون استاد شهید مطهری) مورد توجه قرار گرفت و پس از رحلت آن بزرگمرد نیز به گواهی اسناد ساواک، مبارزان در مجالس بزرگداشت آن مرحوم بر این وجه از تلاش علمی او انگشت تاکید نهادند. (سند شماره ۳).

اما آنچه در شخصیت امینی کمتر گفته شده و مغفول افتاده است، وجه سیاسی و مبارزاتی آن بزرگوار است. در اسناد ساواک به نقل از مبارزان می خوانیم که در جریان تبعید رهبر، او حمایت وسیعی از امام خمینی به عمل آورد (سند شماره ۴).

و به همین دلیل هرگاه از نجف به تهران می آمد، مخالفان رژیم فرصت را برای دیدار با او مغتنم می شمردند و گروه های مبارز اعضای خود را به ملاقات با ایشان ترغیب و تشویق می کردند. (سند شماره ۵) و هنگامی هم که به بستر بیماری افتاد، به گواهی اسناد ساواک، وعاظ و سخنرانان در مجالس برای سلامتی وی دعا می کردند. (سند شماره ۶) وقتی هم که در سال ۱۳۴۹ در روز ۱۲ تیرماه به لقاء الله پیوست، مبارزان و رهبران گروه های مختلف مخالف رژیم در مجالس ختم وی شرکت جستند و در این مجالس به نفع امام خمینی شعار داده شد. (سند شماره ۷)

اما پرونده زندگی امینی با مرگش بسته نشد و برکات حیات طیبیه او حتی پس از فوت نیز بر محرومان نازل می گشت. در اسناد ساواک می خوانیم که در سال ۱۳۵۰ به دلیل خشکسالی در ایران، همه ملت، بویژه مردم سیستان در فشار زیادی قرار داشتند. در این شرایط جمعی از روحانیان که از بی توجهی رژیم به این امر خطیر ناراحت بودند، درصدد برآمدند که به هر ترتیب برای مردم محروم آن خطه کمک مالی گرد آورند. مطلب را با مرحوم آیت الله گلپایگانی مطرح می کنند و ایشان وعده می دهند که اعلامیه ای در این مورد صادر کنند و در مجلسی که به مناسبت سالگرد فوت علامه امینی خواهند داشت، مردم را در جریان خشکسالی قرار داده و کمک های آنان را گردآوری کنند. (سند شماره ۸) مطابق این وعده عمل می شود و مردم شروع به اعطای کمک می کنند. در این حال رژیم هم که سخت از این اقدام به وحشت افتاده برای مقابله درصدد برمی آید که کمک های خود را بر آن منطقه محروم متمرکز سازد تا حربه مخالفان کارساز نیفتد. (سند شماره ۹) و بدین ترتیب مرگ امینی نیز برکات فراوانی را با خود به همراه می آورد. در صفحات پیش رو با این وجوه - کمتر گفته شده - از شخصیت امینی بیشتر آشنا می شویم.



جلسه هیات ۵ نفری وابسته به هیات مولفله اسلامی ساعت ۲۰/۰۰ روز ۴۵/۳/۱۰ جلسه ۵ نفری وابسته به هیات مولفله اسلامی به سرپرستی اسدالله بنکدار و با شرکت عبدالله کریمی، ابراهیم زارع نظری، ابراهیمی، شیخ (جواد سراجیان) در منزل ابراهیم زارع نظری واقع در خیابان نظام آباد، خیابان سیلان ۸ متری داوودی، پلاک ۱۴۸ تشکیل گردید. ابتدا آیاتی چند از کلام الله مجید به وسیله اسدالله بنکدار، تلاوت و ترجمه شد. سپس شیخ (جواد سراجیان) چند مساله از رساله خمینی قرائت نمود. در این هنگام اسدالله بنکدار اخبار را به این شرح شروع نمود.

۱. یکی از خبرهای این هفته فوت مادر امام جمعه زنجان می باشد و به همین مناسبت مجلس ختمی از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر در مسجد ارک برگزار است و آقایان حتما باید در این مجلس شرکت کنند. ابراهیم زارع نظری سوال نمود: شما چه ساعتی به مسجد می آید که ما هم در همان ساعت حاضر شویم؟ بنکدار در جواب گفت: من ممکن است شرکت نکنم چون اطلاعیه ختم در روزنامه های اطلاعات و کیهان از طرف عده زیادی از روحانیون و وکلای مجلس چاپ شده و به همین مناسبت تعداد زیادی از مامورین سازمان امنیت برای کسب خبر در مسجد حاضر می شوند. لذا من نمی توانم در این مجلس شرکت کنم، زیرا آنها در کمین می باشند. اگر اوضاع را مساعد دیدم ممکن است در اواخر مجلس به مسجد بیایم.

۲. اخیرا آیت الله امینی صاحب کتاب الغدیر که به عتبات مسافرت نموده است، مراجعت کرده و آقایان اگر مایل هستند، به ملاقات ایشان بروند...

این جلسه در ساعت ۲۲ پایان یافت... نظریه رهبر عملیات: با توجه به سوال و جواب شیخ (جواد سراجیان) و اسدالله بنکدار چنین استنباط می گردد که جلساتی هم از سرپرستان و رهبران وجود دارد که اشخاصی از رده های بالاتر نظیر

اسدالله بنکدار در این جلسات فعالیت می نمایند. **سند شماره ۶**

امینی در بستر بیماری
شماره: ۲۰/۴۴۱۳۳ هـ ۳ تاریخ: ۴۷/۱۲/۶
موضوع: جلسه قرائت دعای ندبه المهدی
جلسه هفتگی قرائت دعای ندبه از ساعت ۶/۰۰ روز ۱۲/۲ در منزل حاج شیخ احمد ضیافتی کافی خراسانی واقع در خیابان امیریه قلعه وزیر کوچه حمام درخشان پلاک ۳۱ با شرکت عده ای در حدود ۵۰۰ نفر تشکیل گردید. پس از قرائت قرآن شیخ احمد کافی ضمن قرائت و تفسیر دعای ندبه اظهار داشت: تاجرها و ای ثروتمندان به دین مردم برسید. هفته گذشته این اکبر آقای ما در اینجا اقرار به حقیقت دین اسلام نمود و مسلمان شد. چند روز پیش مرا در کوچه ای دید و گفت: «حاج آقا اجازه می دهید که در دستگاه شما خدمت کنم؟ از امروز هم مشغول خدمت شده است. مهدی (ع) جان اگر او یک هفته است ترا شناخته ما یک عمر است که نوکری تو را می کنیم، هر کس به کسی نازد، ما هم به تو می نازیم. به فکر گرفتارها و جذامی ها و سرطانی ها و مسلولین هم باشید. آیت الله امینی یکی از مردان عالم در بستر بیماری می باشند. گویا به مرض سرطان مغز مبتلا هستند. خدایا همه مریض های اسلام بالاخص آقای امینی را شفا عنایت بفرما...»

[در حاشیه سند نوشته شده است: آقای صالحی از جلسات مراقبت شود. ۱۲/۱۰]

سند شماره ۷
مبارزان در سوگ علامه فقیه
موضوع: مجلس ختم شیخ عبدالحسین امینی
مجلس ختم نامبرده بالا در مسجد ارک برگزار و در این محل مهندس مهدی بازرگان، سید محمود طالقانی، شیخ حسین لنگرانی، مهدی فتاحی شرکت و شخصی به نام پرویز شالچی به نفع خمینی شعار داده و او را مرجع تقلید معرفی نموده است.

سند شماره ۸

مرگ با برکت

شماره: ۲۰/۹۴۵۶ هـ ۱۲ تاریخ: ۵۰/۴/۱۲
جلسه هفتگی عده ای از روحانیون از ساعت ۷/۰۰ الی ۹/۰۰ روز پنجشنبه ۵۰/۴/۱۰ جلسه ای با شرکت شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی، شیخ حسین کاشانی، شیخ محمدرضا مهدوی کنی، شیخ حسین کاشانی، شیخ حسن لاهوتی، شیخ مهدی موحدی کرمانی، شیخ جعفر شجونی و شیخ ابوالقاسم خزعلی در منزل شیخ فضل الله مهدی زاده محلاتی تشکیل گردید.

خزعلی اظهار نمود: برای مدت ۱۰ روز عازم اصفهان می باشد، بعد درباره خشکسالی منطقه سیستان صحبت شد. وی افزود: بدون این که مخالفتی با دولت بشود، پول جمع کنید و برای اهالی ارسال دارید. محلاتی گفت: من و حسین دانش آشتیانی از طرف حاج احمد آشتیانی متولی مدرسه مروی به قم رفتیم و جریان را برای آیت الله شریعتمداری و سید محمدرضا گلپایگانی گفتیم. گلپایگانی وعده داد که اعلامیه ای در این مورد تهیه نماید. به برقی واعظ هم سفارش کرد که در جلسه سالروز فوت علامه امینی مردم را در جریان بگذارد و برقی هم در قم همین کار را کرده است...

سند شماره ۹

کمک ها به سوی محرومان روانه می شود
رونوشت گزارش خبر شماره ۲۱/۱۳۳۹-۵۰/۴/۷
موضوع: فعالیت گلپایگانی جهت جمع آوری اعانه برای اهالی سیستان و بلوچستان
ساعت ۸/۵ بعد از ظهر روز ۵۰/۴/۴ به مناسبت یکمین سال درگذشت آیت الله امینی صاحب الغدیر، در مسجد امام، از طرف آیت الله گلپایگانی مجلس ختم، منعقد بود و قاریان و بعضی از طلاب مرتب اعلان می کردند که از طرف آیت الله گلپایگانی مطلب مهمی اعلام می شود. در خاتمه سید مرتضی برقی منبر رفت و در وسط گفتار خود اظهار داشت: آیت الله آشتیانی به وسیله فرزندشان حجت الاسلام حاج میرزا باقر آشتیانی به حضرت آیت الله

گلپایگانی اطلاع دادند که مردم سیستان و بلوچستان گرفتار خشکسالی شده و جان مردم و فرزندانشان در خطر است و از مسلمانان خواست تا به وسیله آقای گلپایگانی در قم و آقای آشتیانی در تهران و آقای کفعمی در زاهدان به مردم آن سامان کمک شود و ضمنا گفت: طلاب علوم دینی هم وظیفه دارند به هر شهر و دهی که می روند، ابلاغ کنند که هر چه زودتر پول به آقا برسانند که مردم بلوچستان و سیستان به مرگ گرفتار نشوند.

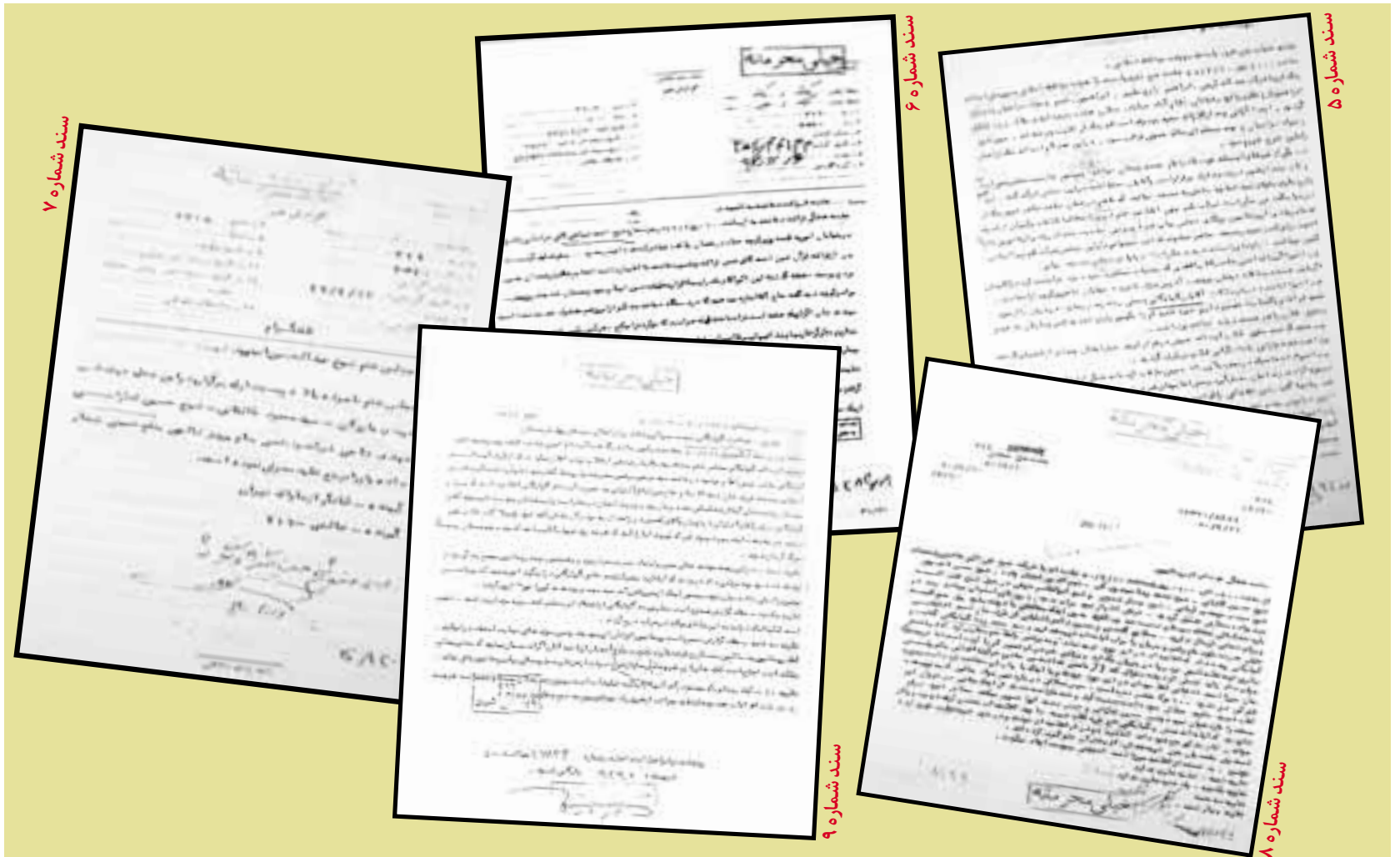
نظریه شنبه - در این زمینه، نوشته خطی مبنی بر ایجاد حس ترحم در مردم و همچنین توجه روحانیون به وضع زندگی مردم نوشته شده بود و ...

نظریه یکشنبه - مفاد گزارش صحیح است به نظر می رسد گلپایگانی از انعقاد این مجلس قصد بهره برداری داشته اصلاح است کمک هایی که دولت به این مناطق می کند در جراید درج گردد.

نظریه سه شنبه - مفاد گزارش صحیح است و روحانیون افراطی از وجود یک چنین سوژه هایی نهایت استفاده را می کنند. کمک روحانیون به ساکنین سیستان و بلوچستان در صورت وقوع، آنچنان از ناحیه آنان اگر اندیسمان می شود که مغایر مصالح مملکت است. اصلاح است کمک های لازم هر چه سریعتر از طرف دولت از هر نظر به عمل و مجالی برای روحانیون باقی نماند.

نظریه ۲۱ - کمک روحانیون [در اصل: روحانی] که بیشتر درآمد آنها از این گونه تبلیغات است، به هیچ وجه به صلاح نیست و بهتر است هر چه زودتر دولت، اقدامات مفید و بجا بنماید و مراتب از طریق رادیو و تلویزیون به سمع و نظر مردم برسد. اسناد این شماره از منابع زیر اخذ شده است:

منابع:
اسناد ساواک منتشره از سوی مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات مجموعه مربوط به حجت الاسلام احمد کافی (واعظ شهیر)، استاد شهید مرتضی مطهری (عالم جاودان)، حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی، شیخ حسین لنگرانی و نیز «۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان» (ضمیمه روزنامه اطلاعات)





به کوشش مظفر شاهی

در این بخش به معرفی نسبتاً تفصیلی و تحلیلی دو کتاب مرتبط با موضوع این شماره می‌پردازیم و سپس فهرست تعدادی از منابع و مأخذ مربوط به این موضوع و علامه امینی معرفی می‌شود:

شهیدان راه فضیلت

نویسنده: علامه آیت‌الله عبدالحسین امینی نجفی
مترجم: جلال‌الدین فارسی
قطع: وزیری
ناشر: روزبه

از مهمترین کتب و سودمندترین منابعی که تاکنون در معرفی و شرح احوال ده‌ها تن از علمای شهید شیعه تالیف شده، کتاب شهیدان راه فضیلت است.

در این اثر خوانندگان با زندگی و احوال و نقش علمی و فرهنگی و تاریخی حدود ۱۳۰ تن از علما و مجتهدان بزرگ شیعه که از قرن چهارم تا قرن چهاردهم می‌زیسته‌اند، آشنا می‌شوند.

نویسنده به ذکر احوال علمای شهید شیعه در ۳ قرن اول نیرداخته و خود در این باره چنین توضیح می‌دهد: «این کتاب تاریخ و سرگذشت عالمان شهید ماست که خون خود را در راه پایدار ماندن حقایق دینی ریختند... و چون آن گروه از عالمان ما شیعه که در خلال سده اول و دوم و سوم هجری شهید شده‌اند، شرح حالشان در کتاب‌ها و فرهنگ‌های بسیاری گردآوری شده است، من این کتاب را با ذکر شهدای سده چهارم آغاز کردم».

نخستین چاپ شهداءالفضیله به زبان عربی حدود ۷۴ سال قبل (سال ۱۳۵۵ ق) در نجف انجام شد و مراجع و علمای بزرگی برای تشویق نویسنده جوان آن، تقدیرنامه فرستادند و او را در همان زمان با لقب «علامه» یاد کردند که از آن همه می‌توان آیات عظام سیدابوالحسن اصفهانی، حاج آقا حسین طباطبایی قمی، حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (کمپانی)، حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی و میرزامحمدعلی اردوبادی را نام برد. چاپ دوم کتاب به زبان عربی در سال ۱۳۹۳ ق در قم انجام شد.

کتاب دارای مقدمه و تقریظ‌های بعضی از علما و مراجع بود و آنگاه زندگینامه علمای هر قرن را در یک فصل جداگانه برحسب ترتیب تاریخی آورده است و بدین ترتیب علمای شهید در ۱۱ قرن (از قرن ۴ تا ۱۴) در ۱۱ فصل بیان گردیده است.

این کتاب بعداً توسط آقای جلال‌الدین فارسی به فارسی نیز برگردانده شد.



حماسه غدیر

گردآوری و کنکاش: محمدرضا حکیمی
ناشر: بی‌نا
قطع: وزیری / ۶۰۴ صفحه

کتاب حماسه غدیر مجموعه مقالات و اشعاری است که نویسندگان داخلی و خارجی (شیعه و سنی و مسیحی) در تکریم علامه امینی و اثر گرانشنگ او الغدیر نگاشته‌اند.

این مجموعه به همت و با تلاش فراوان جناب آقای محمدرضا حکیمی فراهم آمده و هم ایشان نیز مدخل یا مقدمه‌ای مفصل (صص ۳۵۴ - ۱۷) شرح احوال امینی را در آن قلم زده است.

کتاب در پنج بخش سامان یافته است: سرآغاز / مدخل / گردانیده‌ها (ترجمه‌ها) / نوشته‌ها / سروده‌ها.

از جمله کسانی که در این مجموعه اثری را قلمی کرده‌اند می‌توان نویسندگان زیر را نام برد:

احمد آرام، نعمت آرم، عبدالمحمد آیتی، مهدی اخوان ثالث، علامه محمدتقی جعفری، دکتر عبدالحسین زرین کوب، سیدغلامرضا سعیدی، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، سیدمحمدحسین شهریار، دکتر سیدجعفر شهیدی، دکتر حمید عنایت، دکتر مهدی محقق، استاد مرتضی مطهری، جلال همایی و ...

همچنین استاد حکیمی بعضی از نوشته‌های برادران اهل سنت و مسیحیان و شیعیان پیرامون الغدیر و علامه امینی را نیز در بخش گردانیده‌ها آورده است که از آن جمله‌اند:

محمد عبدالغنی حسن (قاهره)، شیخ محمدسعید دحدوح (حلب)، عبدالفتاح عبدالمقصود (اسکندریه)، سیدحسن الامین (بیروت)، شیخ آقابزرگ تهرانی (نجف)، دکتر توفیق الفکیکی (بغداد)، سید عبدالحسین شرف‌الدین (بندر صور لبنان)، شیخ محمد تیسیر المخزومی (دمشق)، دکتر عبدالرحمان الکیالی (حلب)، علاءالدین خروفه (جامع الازهر)، دکتر بولس سلامه (بیروت) و دکتر محمد غلاب (دانشگاه الازهر).



پیشخوان

انتشار زمانه

شصت‌وششمین شماره زمانه، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر منتشر شد. در این شماره که به موضوع «احزاب و تحزب در ایران» اختصاص دارد، از جمله می‌خوانیم:

تحزب در ایران؛ گذشته حال / آینده گفتگو با حجت‌الاسلام دکتر احمد جهان‌بزرگی و سیدمصطفی تقوی

تاریخچه مختصر تحزب در ایران / سیدجلال‌الدین مدنی

علل ناکارآمدی احزاب در ایران / بهرام اخوان کاظمی

از فدائیان تا موفقه / رحیم روحبخش

فضای سیاسی دهه اول انقلاب / احمد معنوی

دبستان توده‌ای / مصطفی فعله‌گری

فهرست منابع مطالعاتی پیرامون علامه عبدالحسین امینی و الغدیر

- یادنامه علامه امینی: مجموعه مقالات تحقیقی، به کوشش سیدجعفر شهیدی و محمدرضا حکیمی، تهران، انتشار ۱۳۵۲.
- علی‌رضا سیدکباری، نواب صفوی، سفیر سحر، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
- رضا استادی، چهل مقاله: کتابنامه، کتاب‌شناسی، شرح حال، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۱.
- علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۱۰، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا، ۱۳۶۰.
- عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، یکصد سال مبارزه روحانیت مرفعی از میرزای شیرازی تا امام خمینی، ج ۱، تهران، شهید، ۱۳۵۸.
- یاد، سال ۲ (۱۳۶۶)، ش ۶ و سال ۶ (۱۳۷۰)، ش ۲۴.
- حسن احمدی‌نژاد، سردار کابلی، ستاره خاور، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
- تاریخ و فرهنگ معاصر، ج ۲، س اول (۱۳۷۰)، ش ۲ و ج ۲-۶، س ۲، ش ۶.
- علی رفیعی، شهاب شریعت، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۳.
- حسین امید، تاریخ فرهنگ آذربایجان، ج ۲، تبریز، اداره فرهنگ آذربایجان، ۱۳۳۴.
- یادنامه علامه امینی، ضمیمه روزنامه رسالت، ۱۲ تیر ۱۳۶۷.
- قطره‌ای از دریا، گردآوری محمدرضا حسین صفاخواه، ج ۱.
- سید عبدالعزیز طباطبایی، الغدیر فی التراث الاسلامی.
- وحدت بر محور ولایت؛ مقام علمی، ولایتی علامه عظیم الشان امینی، موسسه انتشاراتی بهار قلوب.
- حسین شاکری، ربع مع قرن العلامة الامینی، قم، ۱۴۱۷ ق.
- محمد امینی، سیری در الغدیر.
- مهدی لطفی، علامه امینی جرعه‌نوش غدیر، قم، نسیم حیات، ۱۳۷۹.
- حماسه غدیر، گردآوری و نگارش محمدرضا حکیمی، بی‌نا، بی‌تا.
- علی ابوالحسنی (منذر)، «الغدیر»، مندرج در دانشنامه امام علی، زیر نظر: علی اکبر رشاد، به اهتمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۱۲، صص ۳۱۱ تا ۳۷۶.
- علی‌رضا سیدکباری، علامه امینی: مصلح نستوه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
- مصاحبه با استاد سیدغلامرضا سعیدی درباره سیدجمال‌الدین اسدآبادی، علامه محمدحسین کاشف الغطا، علامه محمد اقبال لاهوری و علامه امینی، قم، شفق، ۱۳۵۵.
- محمدعلی حبیب‌آبادی، مکارم آثار، ج ۶، اصفهان، موسسه نشر نفائس مخطوطات، ۱۳۶۴.
- مریم آقا‌شیر محمد، گلزار مشاهیر از زندگینامه درگذشتگان مشاهیر ایران (۱۳۷۶-۱۳۵۸)، تهران انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷.
- غلامرضا کرباسچی، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران، ج ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
- گلشن ابرار، ج ۳، قم، نشر معروف، ۱۳۸۲.
- احمد گل محمدی، جمعیت فدائیان اسلام به روایت اسناد، ج ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
- یاد و یادآوران، اصفهان، غزل، ۱۳۷۹.
- رضا مختاری، سیمای فرزاتگان، ج ۳، حوزه علمیه قم، ۱۳۷۲.
- روح‌الله حسینیان، تاریخ سیاسی تشیع تا تاسیس حوزه علمیه قم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
- علی دوانی، آقامحمدباقر بن محمد... معروف به وحید بهبهانی... تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- داود امینی، جمعیت فدائیان اسلام و نقش آنها در تحولات سیاسی-اجتماعی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- عقیقی بخشایشی، مفاخر آذربایجان، ج ۱ و ۲ و ۳، تبریز، ۱۳۷۵.



گزارشی از کتابخانه عمومی امیرالمومنین علیه السلام

میعادگاه حقیقت جویان



و هم‌اکنون کتابخانه امام امیرالمومنین با ۳۰ کتابخانه بزرگ و مهم دنیا از جمله در: ایران، هند، هلند، انگلستان، عراق، سوریه، اردن، ترکیه، پاکستان رابطه مبادلاتی دارد و برای ۳۰ کتابخانه - اعم از اسلامی و غیراسلامی - کتاب‌هایی به عنوان هدیه می‌فرستد و از آنها نیز کتاب دریافت می‌دارد.

کتابخانه عمومی امیرالمومنین^۱، در زمان امینی، میعادگاه طالبان حقیقت بود. دانشمندان مذاهب مختلف اسلامی و نیز خاورشناسان مسیحی و غیره از چهار سوی جهان به کتابخانه می‌آمدند و در جریان گفتگو با علامه و غور در کتابخانه، با معارف تابناک علوی^۲ آشنا می‌شدند و دست پر، باز می‌گشتند. امینی، بویژه استعدادهای جوان حوزه نجف را شناسایی و بسان باغبانی توانمند، پرورش می‌داد. چنانکه محققان کوشا و ولایت شعار عصر ما، همچون مرحومان حاج سیدعبدالعزیز طباطبایی^۳، حاج شیخ محمدباقر محمودی، سیدمحمد نوری، شیخ محمدرضا جعفری و اسد حیدر، بخشی از دست پروردگان امینی در آن بوستان معرفتند.

کتابخانه امیرالمومنین علیه‌السلام که در دوران حکومت دیکتاتور بعث مدت‌ها تعطیل بود، خوشبختانه اخیراً بازگشایی شده و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. **پی‌نوشت‌ها:**

۱. یادنامه علامه امینی، ضمیمه روزنامه رسالت، ص ۵.
۲. اظهارات دکتر محمدهادی امینی، ص ۳۰۷-۳۰۸. همان: گردآوری و نگارش: محمد رضا حکیمی، ص ۳۰۷-۳۰۸. همان: صص ۳۲۰ - ۳۱۹. برای آشنایی بیشتر با کتابخانه امیرالمومنین، رک. توضیحات حکیمی در همان مأخذ، صص ۳۰۵ به بعد. ۳. مکتب اسلام، ش ۶۴ (دی‌ماه ۱۳۴۳). صص ۶۳-۶۲ به نقل از صحیفه المکتبه نشریه رسمی کتابخانه عمومی امام امیرالمومنین، ش ۳، ص ۵. وی در زندگینامه خودنوشت خویش، به استفاده کلان از امینی تصریح کرده است. رک. الغدیر فی التراث الاسلامی، صص ۲۲۶-۲۲۴.

اینک گمشده خود را باز یافته‌ام

حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا رضا امینی (فرزند دانشور علامه و رئیس کتابخانه ایشان) در اسفند ۱۳۷۹ نقل کرد: روزی یکی از دانشمندان غربی به کتابخانه آمد و ضمن دیدار با امینی، خواستار کتابی درباره توحید باری تعالی شد. علامه دستور داد کتاب شریف «صحیفه سجادیه» (حاوی دعاهای امام سجاد علیه السلام) را برایش بیابیم. آنکه صحیفه را گشود و ورق زد و بخشی از آن را که حاوی دعایی با مضمون توحیدی بود آورد و به وی نشان داد و گفت: این بخش را بخوانید! دانشمند یادشده کتاب را گرفت و به گوشه‌ای رفت و ساعتی در آن دعا نظر افکند. سپس، آشفته و ملتهب، نزد علامه آمد و پرسید: این کتاب از کیست؟! علامه فرمود: این کتاب، دعاهای متعلق به چهارمین پیشوای معصوم ما شیعیان، حضرت زین‌العابدین علیه السلام است. او با لحنی تند گفت: شما به جامعه بشریت خیانت می‌کنید! علامه با شگفتی پرسید چطور؟! گفت:

«من سال‌هاست که پیرامون مسأله توحید تحقیق می‌کنم و در این زمینه کتاب‌های بسیاری را از دانشمندان مختلف شرق و غرب جهان، و ادیان و مذاهب گوناگون، مطالعه کرده‌ام. اما هنوز گمشده دارم. این کتاب که شما به من دادید و ظاهراً کتاب دعایی بیش نیست، ظرفیت‌ترین مسائل و نکات را (که هیچ‌جا بدان برنخورده بودم) در این زمینه مطرح کرده و پس از سال‌ها گره از مشکلات من گشود و من اینک گمشده خود را باز یافته‌ام. آنکه افزود: تقصیر شما این است که چنین پیشوای بزرگ و چنین معارف بلندی دارید و آنها را به جهانبیان معرفی نمی‌کنید! حاج آقا رضا افزود: شمار زیادی از دانشمندان غرب و شرق، و پیروان ادیان و مذاهب، به کتابخانه می‌آمدند و با امینی دیدار و گفتگو کرده و از محضر وی و کتابخانه بهره می‌بردند.

کنون [۱۳۴۲ ش] بالغ بر ۲۵۰۱۴ جلد بوده‌است. آن‌طور که در مجله صحیفه المکتبه تصریح شده بیشتر کتاب‌های این کتابخانه را اعدای از مردم مسلمان ایران و عراق اهدا کرده‌اند که تعداد آنان بالغ بر هزار نفر نمی‌شود و این عمل بسیار قابل تقدیر و تقدیس است. علاوه بر کتاب‌ها، فرش‌ها و چراغ‌های لوستر گرانقیمتی نیز از طرف مردم با ایمان به این کتابخانه اهدا شده‌است.

از سراسر جهان اسلام، مجله‌ها و روزنامه‌ها، به زبان‌های گوناگون مرتباً به این کتابخانه می‌رسد و مورد مطالعه و استفاده همگان قرار می‌گیرد.

این کتابخانه بخش مخصوصی نیز برای صحافی و تجلید کتاب‌های واصله دارد که از سال ۱۳۷۷ هـ تا آخر سال ۱۳۸۲ هـ مجموعاً ۱۰۷۹۲ جلد کتاب را به طرز جالبی صحافی کرده‌است تا محفوظ‌تر بماند.

۱۳۷۳ هجری بنیادگذاری شد و از ۱۹ ذیحجه ۱۳۷۹ هـ رسماً افتتاح گردیده و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در طول ۱۰ سال گذشته مجموع عابدهی کتابخانه در حدود ۷ میلیون ریال (۷۰۰ هزار تومان) بوده که مصرف خرید ۹ منزل وسیع برای توسعه کتابخانه و ساختمان و خرید کتاب و مخارج دیگر شده‌است.

این کتابخانه پس از افتتاح مورد بازدید عده کثیری از رجال و دانشمندان بزرگ جهان اسلام و مستشرقین و شخصیت‌های خارجی قرار گرفته و موجب سربلندی شیعه و حوزه علمیه نجف گشته است و تعداد مراجعین آن برای مطالعه در عرض ۳ سال (۸۱، ۸۰ و ۸۲ ق) بالغ بر ۸۵۴۹۰ نفر شده‌است.

تعداد کتب این کتابخانه اعم از چاپی و خطی، و به زبان‌های عربی، فارسی، ترکی، اردو، فرانسه، انگلیسی، آلمانی، اسپانیایی، تا

از جمله خدمات بسیار مهم و ماندگار علامه امینی، تأسیس کتابخانه عمومی امام امیرالمومنین (مکتبه الامام امیرالمومنین علامه) در حوزه مرکزی جهان تشیع (نجف اشرف) و در کنار تربت مولای متقیان علی علیه‌السلام است. امینی، خود، پرورش یافته کتاب و کتابخانه بود و نقش کلیدی و مهم این دو را در تأمین نیاز حق پژوهان و رشد علمی و معنوی آنها نیک می‌شناخت؛ لاجرم بخشی درخور ملاحظه از توان فکری و عملی خویش را مصروف تأمین این نیاز بزرگ ساخته بود و در این راه آرزوهای بزرگ داشت.

تأسیس کتابخانه بزرگ امیرالمومنین علیه‌السلام (به گفته فرزند علامه دکتر محمدهادی امینی) در پی تألیف کتاب «الغدیر» صورت گرفت و ثمره و «زاییده» آن کتاب بود. قفسه‌های کتابخانه، به همت علامه، هزاران کتاب فارسی و عربی و... در رشته‌های گوناگون تاریخ، ادب، حکمت و تراجم را در آغوش خود جای داده بود. افزون بر این، چنانچه نویسنده‌ای کتابی می‌خواست و در کتابخانه یافت نمی‌شد، مرکزی در کتابخانه وجود داشت که ظرف دو روز، کتاب را برای وی تهیه می‌کرد.

به گفته حجت‌الاسلام حکیم‌زاده (کتابدار کتابخانه امیرالمومنین علیه‌السلام): «در نجف اشرف از حیث کثرت اشمال بر مصادر و مأخذ کهن، کتابخانه‌ای مهم‌تر و جامع‌تر از کتابخانه امینی یافت نمی‌شد.

استاد محمدرضا حکیمی، شمار کتاب‌های کتابخانه را در اوایل دهه ۵۰ شمسی، بالغ بر حدود ۴۲۰۰۰ کتاب برآورد می‌کند.^۱ به گفته وی: علامه این کتابخانه عظیم و گرانسنگ را وقف آستان قدس رضوی علیه‌السلام کرد. از این رو، این کتابخانه اکنون یکی از ثروتهای ملی و معنوی ایران است. در نجف، و مایه سرافرازی ملت ایران در یکی از مهم‌ترین مراکز علمی و دینی اسلام.^۲

طبق گزارش نشریه رسمی کتابخانه امیرالمومنین^۳ در سال ۱۳۴۲ ش: این کتابخانه در روز سوم جمادی‌الاول سال

خانه نویسندگان؛ آرزوی امینی

استاد محمدرضا حکیمی، یکی از آرزوهای بزرگ علامه امینی را تشکیل «خانه نویسندگان» می‌شمارد و در توضیح این مطلب چنین می‌نویسد:

سختی‌هایی را که صاحب «الغدیر» در راه تألیف دیده بود و موانع را شناخته و دردها را بساویده بود و بالجملة روح علمی او، اندیشه تأسیس «خانه نویسندگان» را در وی پدید آورد. مقصود او از خانه نویسندگان - چنانکه خود شرح می‌داد. این بود:

در کنار «کتابخانه امیرالمومنین» در نجف، محلی زیبا و بهداشتی و مدرن ساخته شود مجهز به همه وسایل: اتاق‌هایی چند که هر یک در اختیار محقق و نویسنده‌ای قرار گیرد؛ همه گونه نیازمندی‌های شخصی محقق تأمین گردد؛ در هر اتاق یک قفسه از کتاب‌های اولیه و مراجع ضروری رشته کار محقق گذارده شود، وسایل اولیه درمانی در اختیار محقق باشد و طبیبی همواره از حال او مراقبت کند، آشپزخانه‌ای مجهز،

صبح و ظهر و شام، خوراک او را - بنا به میل و تناسب - آماده کند و به اتاق او بفرستد؛ هر اتاق دارای یک پیشخدمت ویژه باشد تا کارهای مختلف شخصی نویسنده یا محقق را انجام دهد؛ در هر اتاق یک دوره فهرست کتابخانه گذارده شود تا محقق، هر کتابی را خواست و برای کار خویش لازم دانست از کتابخانه بخواهد؛ ضمناً اگر محقق به مأخذ یا مأخذی نیاز یافت که در کتابخانه نبود از هر جایی که ممکن است تهیه گردد و در اختیار او قرار داده شود. وقتی مولفی با چنین شرایطی تأمین شده و راحت، از حیث محل و دیگر نیازهای زندگی - که آرمان محققان جهان است - به تألیف دست زد و آن را پرداخت، اگر آن تألیف مناسب حوزه کار کتابخانه بود، کتابخانه خود به چاپ و نشر آن اثر اقدام کند.^۱

همچنین در نظر بود که اتاق‌های این دارالتألیف با تابلوهایی از این قبیل - مثلاً - اتاق تألیف در علوم بلاغت و سخن‌سنجی، اتاق تألیف در علوم اجتماعی و امثال این عنوانها و بخش‌ها مشخص شود.

بدین گونه، بهترین وسیله برای محققان آماده می‌شد. و چه بسیار استعدادها که ثمر می‌داد و چه بسیار قریحه‌ها که می‌شکفت و چه بسیار حقایق و علوم که کشف و ثبت می‌گشت....

اکنون تصور کنید! اگر این محل تأسیس شده بود، یکی از مهم‌ترین مراکز علم و فرهنگ بشری برپا می‌شد. و در مشرق زمین یکی از ارجمندترین مظاهر فرهنگ انسانی و یکی از والاترین مفاخر اسلام پدیدار می‌گشت.

معلوم است که این محل، پس از تأسیس و شروع کردن به کار، به همین جا متوقف نمی‌ماند، بلکه به انواع تأسیسات علمی دیگر، مانند آزمایشگاه، رصدخانه، بیمارستان و... مجهز می‌شد و در کنار تربت پاک علی^۲ در شهر علم، دری دیگر از شهر علم به روی مردم گیتی گشوده می‌گشت.

این کار پرهزینه را این روحانی زاهد می‌خواست به انجام رساند، البته با توفیق خدای و کمک توانمندان، اما اجل او را مهلت نداد. کاری که واجب است هم‌اکنون به صورتی صحیح و وسیع، از جمله در مشهد، از درآمدهای آستان قدس رضوی^۳، پی‌ریزی شود و به سامان برسد.^۴

۱. چون علامه در نظر داشت برای کتابخانه نجف، انواع ماشین‌ها و وسایل مجهز و مدرن چاپ را نیز تهیه کند. ۲. حماسه غدیر، گردآوری و نگارش محمد رضا حکیمی، صص ۲۲۹-۲۲۶.



به کوشش: فرهاد قلی زاده

با توجه به اینکه «الغدیر» شاهکار جاودان علامه فقید امینی، نقش مثبت و موثری در تحکیم اتحاد مسلمین ایفا نمود در این شماره به جای کاریکاتور از دو طرح پیرامون همبستگی مسلمین بهره جستیم. در طرح اول، جمهوری اسلامی ایران به عنوان منادی انسجام اسلامی معرفی شده است و در طرح دوم نیز پنج مذهب بزرگ اسلامی به عنوان پنج انگشت یک دست به نمایش درآمده‌اند که عطر خوش توحید را در سایه اتحاد خویش در سراسر جهان اسلام می‌افشانند.

عدالت علوی

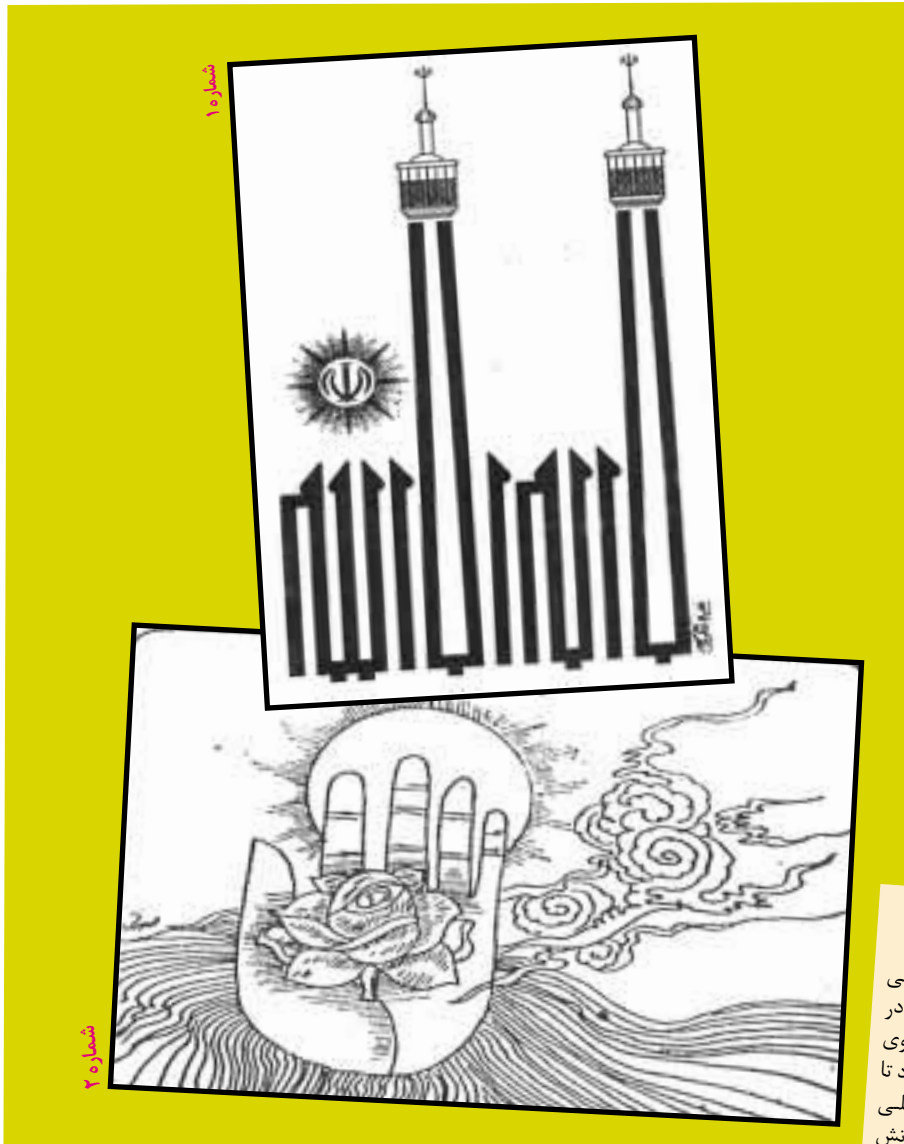
روزی میهمانی ناشناس بر علی علیه‌السلام وارد شد و چند روزی در خانه علی علیه‌السلام بسر برد. وی طرفی داشت و منتظر حضور او بود تا دعوی آنها در محضر علی علیه‌السلام مطرح گردد و حضرتش قاضی باشد. هنگامی که حضرت به منظور او پی برد با کمال مهربانی عذرش را بخواست و بدو چنین گفت: پیامبر صلی‌الله علیه و آله فرمود: قاضی حق ندارد یکی از طرفین دعوا را ضیافت کند، مگر آنکه هر دو میهمان باشند.

راه علی^۴، سیدرضا صدر، ص ۱۰

قشون جاهلان

یکی از مردم کوفه پس از جنگ صفین با شتر خود وارد شهر دمشق شد. فردی از اهالی دمشق دامن مرد کوفی را گرفت و گفت: این شتری که بر روی آن سواری، ناقه من است که در جنگ صفین از من گرفته‌اند. و چون مرد کوفی منکر این مطلب شد، نزاع بالا رفت و قضاوت را نزد معاویه بردند. ضمناً مرد شامی ۵۰ نفر از اهالی شام را گواه گرفت و با خود به دربار معاویه برد که همگی شهادت می‌دادند که آن شتر، ناقه مرد شامی است. پس از رسیدن به دربار معاویه و گفتن ماجرا، از آنجا که مرد شامی ۵۰ شاهد در آستین داشت، معاویه به نفع او رای داده و شتر را از مرد کوفی گرفت و به او داد. مرد کوفی با عصبانیت به معاویه گفت: خدا درباره تو لطف کند! این شتر، ناقه (شتر ماده) نیست، بلکه جمل (شتر نر) است. معاویه گفت: حکمی که صادر شده تغییرپذیر نیست. سپس وقتی که مرد شامی رفت، بار دیگر مرد کوفی را احضار کرد و ضمن پرداخت دو برابر قیمت شتر به او، گفت: می‌دانستم این شتر متعلق به تو است و آن شامی دروغ می‌گوید، اما وقتی که به کوفه بازگشتی به علی [علیه‌السلام] بگو که من با صد هزار نفر سربازی به سراغش خواهم رفت که حتی یکی از آنها هم تفاوت میان شتر نر و ماده را نمی‌داند و آنها را از یکدیگر تشخیص نمی‌دهد.

لطیفه‌های سیاسی، محمود حکیمی



ضمیر، مرجعش را پیدا می‌کند

معروف است که عقیل برادر حضرت علی این ابیطالب^۴ به درگاه معاویه رفت و از خوان او بهره‌برد. اما کار به جایی رسید که یک روز معاویه به او گفت باید به علی لعنت فرستی! عقیل بر منبر رفت و گفت: ای مردم! معاویه به من فرمان داد که علی را لعن کنم که بر او لعنت باد) آنها که به زبان عربی آشنا هستند می‌دانند که در این عبارت، علیه‌اللعنه هم می‌تواند به علی بازگردد و هم به معاویه!

معروف است که معاویه متوجه شد و گفت: ای مرد تو چه کسی را لعن کردی؟ عقیل گفت: ای خلیفه، لعن جای خودش را پیدا می‌کند!

داستان‌های تاریخی، هدایت‌الله علوی، ص ۶۱

سایت «ایام ۲۹»

نویسندگان ایام ۲۹ (ویژه بهائیت)، پرونده‌های حروفچینی شده و PDF مطالب آن شماره را در این پایگاه قرار داده و به شهت وارد پاسخ می‌دهند:

www.ayam29.com

ویژه نامه تاریخ معاصر

با همکاری موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (ای) منبع عکس‌ها: روزنامه اطلاعات و کتابخانه باغ غدیر اصفهان نظرات، پیشنهادها، خاطرات و عکس‌های تاریخی خود را به آدرس تهران - بلوار میرداماد - روزنامه جام جم یا نشانی‌های اینترنتی زیرارسال کنید: ayam@jamejamonline.ir info@iichs.org

شماره آینده ایام در تاریخ ۸۷/۵/۱۰ (دومین پنجشنبه مردادماه) منتشر می‌شود.

امینی و «الغدیر» در سروده‌های شاعران

خامه شیوا و دلپذیر

دکتر قاسم رسا

پرتو خورشید آسمان ولایت کرد تجلی چو بر ضمیر «امینی» پاکدلی ره در آسمان علی^۴ یافت شد کرم دوست، دستگیر امینی صحنه تاریخی غدیر چو آراست خامه شیوا و دلپذیر امینی ماند بجا زین سفینه‌های لثالی نام درخشان «الغدیر» امینی

فتح الفتوح

سیدمحمدحسین بهجت تبریزی (شهریار)



مولف الغدیر فاتح فتح الفتوح
رایت این فتح گو به عرش برکوبدا
لا قلم الا «امین» لارقم الا «الغدیر»
تاجور است آن که این سکه به زر کوبدا...

مظهر امانت

سیددکتریم امیری فیروزکوهی

امین دین الهی، صدیق آل رسول
امینی آن که بحق مظهر امانت بود...
غدیر خم شد از او بحر بی نهایت علم
که خود به علم و ادب بحر بی نهایت بود

دادخواه جرم تاریخ

حبیب چایچیان (حسان)



«امینی» دادخواه جرم تاریخ
شکایتنامه او «الغدیر» ش
نهال تلخ باطل کننده از بیخ
کلام حق، نشان دلپذیرش

ای عظیم مرد

طه حجازی (ح. آرزو)

نامی شریف داشت / لختی نگاه کن / این نام آشناست
چون شهر و آفتاب / چون شام و ماهتاب: علامه امینی...
ای عظیم مرد / گفتند: مردهای / اما تو زنده‌ای هنوز / ای آتش
نهفته به اوراق «الغدیر» / ای آفتاب تافته از چهر این کتاب /
ای جاودان حماسه حق خواهی قرون...



سلام قطره به دریا دل غدیری

مهدی اخوان ثالث (م. امید)

... «امینی» وار مردانی که در اکرام حق کوشند
جز این در زندگی‌شان نیست عشقی یا مرامی خوش...
«امینی» پاکباز عشق دین، کاندز قمار حق
به نقد عمر و هستی زد همه داد و تمامی خوش
«غدیر» ی کرد بی همتا، چنان چون بیکران دریا
لبالب از رحیق حق، جهان را زو مشامی خوش
از این دریادل آماده، «غدیر» ی ایزدی باده
خوش آن رندی کرین مشرب کند شرب مدامی خوش
الا یادش گرامی باد و نامش جاودان والا
به حق حق، «امید» اینک، حدیث حق، ختامی خوش
منبع: حماسه غدیر، محمدرضا حکیمی